





یادبوداشت

## از ماست که بر ماست

**نکته‌هایی دربارهٔ غرب ستیزی و اسلام هراسی (۱)**

**سید مسعود رضوی**

از روزی که باراک اوباما جایزهٔ صلح نوبل را دریافت کرد و سپس در مصر سخنرانی آبدارش را با «السلام علیکم» آغاز کرد، قریب ده سال گذشته است. بیجز از بیان ملج، و لهجه و لیند شیرین اوباما، نکته چیزی که به جهان اسلام رسید، جنگ بود و خون و جنون. بهار عربی در برگزینائی پرشمار درونی را نباید نادیده گرفت. به اسلامی یا کوردلی القاعده و توحش داعش درهم شکست. این گونه، مسلمانان که بسیاری به جان هم افتادند، اندک وحدتی که داشتند ازهم گسست.

باری، اگر در پی دلایل این رخدادها بگردیم، انوهی از کم و کاستی‌ها، و نیرنگ‌ها و تاراسی‌ها را عیان می‌بینیم. قطعاً در این وضع و حال، سوداگران و نمایانته سیری ناپایر سرمایه را، نقش خود را ایفا و خوی جهانخوارگی را ارضا می‌کند. اما در این سودا دو غوغا، نقش مسلمانان و نظام‌های سیاسی و نهادهای کهنه و نو و تغافل و تجاهل و ضبغ‌های پرشمار درونی را نباید نادیده گرفت.

اساساً اگر از همان ابتدا، روشنگران و مصلحان و راهبران سیاسی و دینی در جهان اسلام، چرخشی تاریخی می‌داشتند و به جای تئوری توطئه و آوار کردن مشکلات بر دوش دشمنان مغرور و واقعی، اصالت را به درون می‌دادند و آسیب‌شناسی و درمان را بر اساس راه‌حل‌های داخلی و عینی دنبال می‌کردند، ای بسا امروز موازنهٔ تاریخی متفاوتی میان مسا و جهان غرب به وجود می‌آمد. کما اینکه زندهای مشرق دور، به جای تکیه برسنن و تفاخر به میراث کهن، به نقد و آسیب‌شناسی جوامع موجود اهتمام ورزیده و خویشکاو و یزایی تاریخی نسبتاً موفقیت آمیزی داشتند.

تا این فرایند نباشد و خودوه به مثابه سوژه‌ای بنیادین و واقعی در منظومهٔ ادراک و شناخت راهبران و مردمان تثبیت نشود، «دیگری» به طریق اولی، به قید معرفت درنخواهد آمد و لذا پس از دوپست سال و تسلید بیشتر، هنوز پرسش از غرب و چیستی و ماهیت آن پرسشی است باقیعل و معطل، و در جستجوی پاسخ و راه حل! بگذاریم که مشرق و سنت و اسلام را هم به بسیاری از درجهٔ چشم شرق‌شناس و اسلام‌شناس و ایران‌شناس... غربی می‌بینند. یعنی سایه مه‌آلود خودکاو و خودیابی نیز از تزریق همین ایده‌ها و پدیده‌ها برای ایشان میسر شده‌است.

با این مقدمات، اگر کسی ایراد بگیرد و سخن ما را رد کند، به استاد بازگشت بسیاری از فعالان و کوششگران مسلمان، به‌عنوان جهادگر و سلفی و خلوص گرا و برپادارندهٔ سنت‌های قرون و بلکه هزارهٔ ماضی، و ستیزه‌زن و سینه‌پدر بر علیه مادی‌گری غرب و آمریکا و اروپا و دولت‌ها و حکام وابسته‌شان در جهان اسلام، چاه پاسخی داریم؟! این پرسشی بسیار مهم و تاریخی‌است و پاسخ بدان بسیاری از مشکلات و بیماری‌ها و مصایب مسلمانان را به وضوح نشان می‌دهد. گروه‌های نظیر طالبان و القاعده و جیش الاسلام و داعش و لشکر طیبه و جهنگوی... که تعدادشان در سنوات اخیر رشد چشم‌گیر داشته‌ است، خود بخشی از نگاه غربی و زائدهٔ صلیبزن مدرن هستند. در حقیقت آنها نیاز بهایز برای رادیکال و بی انعطاف آنان جنگ پیشگان مدرن را در منظومهٔ کاپیتالیسم مسیحی غربی برآورده می‌کنند و دست‌ان‌بردارهای لازم برای اعمال سیاست‌های حاد و خطر‌خیز را به اینها می‌بخشیده‌اند. به بیان روشن و دقیق، پس از اتمام نسبی جنگ سرد و رفع خطر اتحاد جماهیر شوروی و متحدان و اقمارش، بخش تندرو و قدرتمندی از سرمایه سالاران آمریکایی – اسرائیلی و متحدان به‌ویژه در صنایع نفت، جاسوسی، اطلاعات، رسانه و ای تی، و از جمله مهمتر در صنایع تسلیحات-تحت‌تشیکلات و سیاست‌گذاری نوحافظه‌کاران، استراتژی سابق را با اهداف و عناوین تازه کلد زدند.

لازم نیست بهایز ماجرا را توضیح دهم. زیرا بزرگترین خدمت را همین سلفی‌ها و به تبعینشان خشک‌فقدان و عوام‌فریاب به میلتاریسم و کاپیتالیسم پی در پی مدرن در قرن بیست و یکم کردند و هنوز هم مشغول عتک‌گزاری به این آستان نامیر‌کنانده به‌استاد این جهات‌ها است که مجموعه عظیمی از رسانه‌های مکتوب و دیداری و شنیداری و مجازی و حقیقی به دنبال القای این گزارهٔ شوم را افتاده‌اند که: «الوهایی دینی خشن و فائق جنبه‌های رحمانی و ارزش‌های معنوی و اسلامی زیباشناختی معرفی می‌شود و اثرات این تبلیغات در درون و برون جهان اسلام پس هوکات است»

این تصویر ساده لو‌حانه از اوضاع خوین خاورمیانه و احوال بیمار بسیاری از مسلمانان دنیای معاصر نیست، بلکه عین حقیقت است. فقط باید به جای این شکستن در آن نگریتست و به تأمل و عبرت خودشود.

اما فاجعه اتفاقاً اینجا نیست. فاجعه آنجاست که بسیاری از مسلمانان به چاه پنهان، در این دام نهان جیب افتاده و محض نفرت و خشم و کینه را به سه شکل پرور داده و بیشتر دچار صدمه و آسیب می‌شوند: ۱- گذشته‌گری، ۲- علوم جبر و اضماع از تجزیه و اناسی – غربی دانستن و خود را محروم و مغفول کردن، و حرفه گری ۳ و شوینسم و خرافه پرستی.

این واکنش‌ها و بخشی از آسیب‌ها و معضلاتی است که ما در دوران اخیر با آن روبرو رویم. لاجرم باید درک کنیم که صلح و آرامش اولویت ماست و باید به هر ترتیب آرامش و امنیت را به مسلمانان و جوامع اسلامی بازگرداند. علم ستیزی و تمایز‌گذاری میان علوم مختلف اگرچه چشکین است یک پرمسان علمی و فرهنگی تلقی شود و برای غرب مبکن است و تن‌گ‌ربان و پیادگرایی‌ها در مقابل به نظر برسد، اما رسوایش چیزی جز حرمان و محرومیت مسلمانان از دستاوردهای علمی قرون اخیر نخواهد بود. علم و اندیشه، به مانند اشعار و هنر، نور ندارد و هر که جز این پندشید خود را محروم می‌کند و کش نکند این ایده‌های علم ستیز و دانش گریز، بیش از ما نزد همان جنگ طلبان کذایی مطلوب است و به عنوان بخشی از پروژه اسلام هراسی تبلیغ و ترویج می‌شود.

یک نکته دیگر، دست کم گرفتن خرافات است که زائده و نتیجهٔ هفوی همین علم ستیزی و کفرگریزی است. متأسفانه جهان اسلام قرداست به ویرس خرافات اولیه و متجذبه شده، از خرافات، سیستم یمینی و سلامت عمومی یک جامعه را بیش از هر چیز دچار ضغف و پریشانی می‌کند. به‌های همه چیز را، از طب و سیاست و جنگ، تا علم و زراعت و فرهنگ... مثل موریانه می‌چود و دیر نیست که غلافان فروریزند و باز هم نمانند چرا؟!

دربارهٔ ضرورت صلح و اهمیت آن برای کوتاه مدت و بلند مدت و ناکام ساختن پروژهٔ شوم جنگ و تارامی دوباره سخن می‌گوییم.

## رئیس پیشین سیا: در صورت شکست بر جام جهان به آمریکا اعتماد نخواهد کرد

وزیر دفاع پیشین آمریکا با بیان این که ایران به توافق هسته‌ای پایبند بوده است، هشدار داد که اگر این توافق شکست بخورد، کشورهای جهان دیگر به آمریکا اعتماد نخواهد کرد.

به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری هیل، ولایت پنا‌تاری پیشین سیت و وزیر دفاع اسبق آمریکا در نشست در موسسه هانسون در واشنگتن نسبت به پیامدهای شکست توافق هسته‌ای ایران و گروه ا‌ه‌۱۰ پس از آنکه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا گفت که دیگر پایبندی ایران به توافق را تأیید نخواهد کرد، هشدار داد.

پایانه گفت: اگرچه از نظر من توافق هسته‌ای نواقصی دارد، ایران به لحاظ زمان به توافق عمل کرده است. بنابراین، ما باید به اجرای توافق ادامه دهیم. ترامپ که بارها توافق هسته‌ای را مورد انتقاد قرار داده و آن را توافقی به برای آمریکا دانسته است، به تا‌گی گفت که دیگر پایبندی ایران به تعهداتی در توافق را تأیید نمی‌کند. این کار سر‌نوش توافقی را به‌ کنگه می‌سپارد که باید دربارهٔ بازگرداندن تحریم‌های غربی‌ها به موجب توافق هسته‌ای تصمیم گیری کند. وضع مجدد این تحریم‌ها نقض توافق خواهد بود.

رئیس پیشین سیا همچنین نسبت به این‌که کنگره باید در این باره تصمیم بگیرد، ابراز نگرانی کرد و گفت که این مسئله قانونگذاران را در شرایطی سخت قرار می‌دهد درحالی که بهتر است رئیس جمهوری و دولت خود باید به این مسائل رسیدگی کنند.

وی تصریح کرد: امیدوارم کنگره راهی برای تقویت اجرای توافق فراهم کند و ادامه اجرای توافق به آمریکا این فرصت را می‌دهد تا ما به متحدانمان همکاری کنیم و هم به تلاش برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران ادامه دهیم. سپس آنها(ایرانی‌ها) برای گفتگو در‌باره دیگر مسائل پای میز مذاکره خواهند آمد.

پایانه افزود: البته این کار راحتی نخواهد بود اما تحت هر شرایطی بدترین چیز این است که حرف خود را زیر پا بگذارید.

معاون رئیس جمهوری آمریکا هم در ادامه زیاده‌گوئی‌های خود علیه ایران ضمن ستایش اقدام ترامپ در اعلام عدم پایبندی ایران به برجام گفت: این اقدام نشان داد این دولت تروزیسم جهانی را تحمل نمی‌کند.

به گزارش ایسنا، مقام پ‌س در این باره ا‌دهای بی اساس خود علیه ایران افزود: ایران ابراز زیر نظر دارد و ما دیگر رفتارهای برهم زنده ثابت توسط ایران در حمایت آنها از تروزیسم را تحمل نمی‌کنیم.

یادبوداشت

## معاون اول رئیس جمهوری: باید زمینه‌های فعالیت بخش خصوصی را فراهم کرد

جلسه دیدار مجمع نمایندگان استان لرستان

با معاون اول رئیس جمهوری عصر دیروز برگزار شد.

دکتر اسحاق جهانگیری در این جلسه با اشاره به ظرفیت های متعدد استان لرستان نظیر منابع سرشار آب، نیروی انسانی تحصیلکرده و معادن مستخکوش و پرتاش گستر، استان لرستان از فرصت ها و ظرفیت های خوبی برای توسعه برخوردار است و نباید جزو استان های کمتر برخوردار گذشت.

وی فاصله نزدیک با پایتخت و استان های بزرگی همچون اصفهان و خوزستان و نزدیکی با مرز عراق را از دیگر فرصت های استان لرستان برشمرد و افزود: همه این عوامل ایجاد می کند که استان لرستان در میان استان های توسعه یافته کشور قرار گیرد.

معاون اول رئیس جمهوری بر لزوم شناسایی موانع پیش روی توسعه استان لرستان و اهتمام در جهت رفع این موانع تأکید کرد و از معاون نظارت

و هماهنگی خود خواست جلساتی مستمر با حضور استاندار و رئیس مجمع نمایندگان استان لرستان برگزار کند و مسائل کلیدی استان را مورد بررسی قرار دهد.

همانگیزی همچنین بر ضرورت معرفی طرح های توسعه ای استان لرستان به بخش خصوصی و ترغیب و تشویق سرمایه گذاران

به استین خود کنیم. در این جلسه که معاون

توسط بیان برکت تعداد ۲۰۰ مسجد و مرکز فرهنگی را دیروز در مناطق کمتر توسعه یافته در ۲۴ استان افتتاح کرد و به عنوان هدیه به مقام معظم رهبری به مردم این مناطق تحویل داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در این مراسم در سخنانی با اشاره به این ابر زمین حسینی، گفت: وجود دشمنی های زیاد، مردم عاشق امام حسین (ع) هستند.

به گزارش سخنگار ما،حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی با تأکید بر شخصیت علمی و جایگاه والای امام ربانی در تاریخ، افزود: در این شخصیت افتخار شیعه است و حق بزرگی به گردن ما دارد. علمای این‌جنوبی، واسطه بین ائمه معصوم و مردم در طول تاریخ بودند و حتی در این راه شهادت می‌دادند. اگر نبودند، ما بیانات امام را اختیار نداشتیم.

وی گفت: علامه مجلسی با تألیف کتاب راجر گرانسنگ بحارالانوار که ۱۱۰ جلد است، نقش بزرگی در تاریخ شیعه دارد و اگرچه ممکن است احادیث ضعیف هم داشته باشد، اما هیچ‌کس آنرا احادیث بوده است.

محمدی گلپایگانی با بیان این که بزرگترین گناه، یأس از رحمت خداوند است، اظهار داشت: امیرالمؤمنین (ع) در جای می‌فرمودند: «اگر قسم یاد نشده بود که خداوند دشمنان را به جهنم می‌فرستد، تمام جهنم سرد می‌شد» بنابراین ما که محب حسین (ع) و از امت پیغمبر (ص) هستیم، جایگاه ویژه‌ای داریم.

وی خاطرنشان کرد:همه ساله در ایام اربعین انقلابی برپا می‌شود و اسامیل پیشینی شده است که بیش از ۲۵ میلیون زائر از ایران به کربلای معلی شرف‌نشد که پیش‌ترشان یک‌ده می‌روند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری افزود: از نجف تا کربلا م‌ک‌های مختلف قطع نمی‌شوند، همه محندات را می‌دهند.

محمدی گلپایگانی با تأکید بر جایگاه والای مساجد، تصریح کرد: اولین بایی که بر زمین گذاشته شد، خانه کعبه در مسجدالحرام بود و بیشتر مساجد معتقدان این طایفه تا پیش حضرت ام (ع) ساخته شده و سپس ابراهیم (ع) به عنوان نبی و اسماعیل به عنوان کارگر آن را احداث کردند و سابقه آن به چند هزار سال قبل برمی‌گردد.

وی بیان این که هر کسی توفیق ساخت مسجد را ندارد، گفت: فقط و فقط کسانی این توفیق را دارند که اول مؤمن هستند، دوم به قیامت وارد شوند و سوم اقامه نماز می‌کنند و به زکات می‌پردازند. پیامبر (ص) فرمودند که خداوند می‌فرماید (خدا تعالی من در زمین، مساجد هستند) این مساجد، آسمان‌ها را نورانی می‌کند، همان‌طور که ستارگان، زمین را نورانی‌اش می‌کنند. همچنین پیامبر (ص) فرمودند: «مساجد خانه اقدی امت است و هر که مسجد خانه او باشد، خداوند رحمت و احسانش را و هم اجازه عبور از صراط را برای او تضمین کرده است».

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در روایت دیگری از پیامبر(ص) نقل کرد که هر کسی به طرف مسجد بجهت قدمی که بر می‌دارد،مسج حسنه به او عنایت می‌شود؛یکی این که در اعمال و ا ۱۰-سنه نوشته می‌شود؛دوم ۱۰ گناه او بخشیده می‌شود و سوم ۱۰ روز مقام او نزد خداوند بیشتر می‌شود.

محمدی گلپایگانی ادامه‌داد:روایت دیگری ازپیامبر(ص) به کسانی که در تاریکی به مساجد رفت و آمد می‌کنند، نور چهره و نور قیامت بشارت داده شده است.

وی گفت: یکی از مدعیان مردم در روز قیامت، مساجد هستند که شکایت می‌کنند. در حدیث داریم هیچ نماز برای نمازگزار م‌ک‌ها در روز قیامت نیست، الا در مسجد؛ مگر این که نماز

ظریف: لجن بر اکنی ترامپ خدش‌ای به استقامت مردم ایران نمی‌زند

وزیر خارجه ایران با بیان این که خواهان تعامل گسترده با جهان هستیم، گفت: هیچ کشورهای خاشیه‌خیز فارس نیستیم که به محض دیدن یک اخم از سوی آمریکا سراسیمه روانه کمپ دیوید شدند.

به گزارش فارس، محمدجواد ظریف که به دعوت مائشانه وزیر خارجه آفریقای جنوبی و شرکت در سیزدهمین نشست کمیسیون مشترک همکاری ایران اقتصادی ایران و آفریقای جنوبی به پرتوراید سفر کرد، در دیدار با ایرانیان مقیم این کشور گفت:

این روزها کهه زمزمه های نامناسبی از سوی برخی تازه واردان به عرصه سیاست شنیده می شود لازم است یک بار دیگر برای خودمان یادآوری داشته باشیم که جمهوری اسلامی ایران به یمن حضور، پرتافخر و پرتصلات مردم ۴۰ سال گذشته تنهاست؛ فشارها، تحریم‌ها، جنگ‌ها و تجاوزات را با سربلندی پشت سر بگذارد و کسانی که بر ایران اشرار آوردند و ایران را مورد تهاجم قرار دادند، عبرت تاریخ شدند و ملت ایران سربلندر از روز اول، استوارتر و قدرتمندتر از روز اول حضور دارد.وزیر خارجه اضافه کرد: ایران کشوری است که امتیاش را وامدار هیچ کس جز مردمش نیست. ایران کشوری است که پیشرفت اقتصادی و علمی و فناوری خودش را وامدار هیچ جا جز مغز ایرانی نیست.

امروز در این جمع بزرگانی از ایرانیان برجسته در آفریقای جنوبی و دانشمندان و متخصصان برجسته داخلی از جمله روان، جانشینکهای دانش بنیان، صنایع نفت و گاز برای کشور، افتخار می آورنند و این افتخارات بسیار می‌شماره‌ای خارجی صورت گرفته است.

وی گفت: شما امروز به دور اطراف کشورتان گام می‌کنید. یک کشور را پیدا کنید که امنیت ایران را دارد و آن وقت یک کشور را پیدا کنید که علیرغم همه فشارهای خارجی امنیت دارد. تمام کشورهای نیستیم که به محض دیدن لجنند

عامل گسترده با تمام جهان هستیم. تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس نیستیم که به محض دیدن یک اخم

دیوید آمریکا سراسیمه روانه کمپ می‌شوند. مثل آن کشورها نیستیم که به محض دیدن لجنند

اخبار داخلی



جهانگیری همچنین بر ضرورت معرفی طرح های توسعه ای استان لرستان به بخش خصوصی و ترغیب و تشویق سرمایه گذاران

به استین خود کنیم. در این جلسه که معاون

توسط بیان برکت تعداد ۲۰۰ مسجد و مرکز فرهنگی در ۲۴ استان افتتاح کرد و به عنوان هدیه به مقام معظم رهبری به مردم این مناطق تحویل داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش مساجد در مناطق کمتر توسعه یافته در ۲۴ استان افتتاح کرد و به عنوان هدیه به مقام معظم رهبری به مردم این مناطق تحویل داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در این مراسم در سخنانی با اشاره به این ابر زمین حسینی، گفت: وجود دشمنی های زیاد، مردم عاشق امام حسین (ع) هستند.

به گزارش سخنگار ما،حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی با تأکید بر شخصیت علمی و جایگاه والای امام ربانی در تاریخ، افزود: در این شخصیت افتخار شیعه است و حق بزرگی به گردن ما دارد. علمای این‌جنوبی، واسطه بین ائمه معصوم و مردم در طول تاریخ بودند و حتی در این راه شهادت می‌دادند. اگر نبودند، ما بیانات امام را اختیار نداشتیم.

وی گفت: علامه مجلسی با تألیف کتاب راجر گرانسنگ بحارالانوار که ۱۱۰ جلد است، نقش بزرگی در تاریخ شیعه دارد و اگرچه ممکن است احادیث ضعیف هم داشته باشد، اما هیچ‌کس آنرا احادیث بوده است.

محمدی گلپایگانی با بیان این که بزرگترین گناه، یأس از رحمت خداوند است، اظهار داشت: امیرالمؤمنین (ع) در جای می‌فرمودند: «اگر قسم یاد نشده بود که خداوند دشمنان را به جهنم می‌فرستد، تمام جهنم سرد می‌شد» بنابراین ما که محب حسین (ع) و از امت پیغمبر (ص) هستیم، جایگاه ویژه‌ای داریم.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری افزود: از نجف تا کربلا م‌ک‌های مختلف قطع نمی‌شوند، همه محندات را می‌دهند.

محمدی گلپایگانی با تأکید بر جایگاه والای مساجد، تصریح کرد: اولین بایی که بر زمین گذاشته شد، خانه کعبه در مسجدالحرام بود و بیشتر مساجد معتقدان این طایفه تا پیش حضرت ام (ع) ساخته شده و سپس ابراهیم (ع) به عنوان نبی و اسماعیل به عنوان کارگر آن را احداث کردند و سابقه آن به چند هزار سال قبل برمی‌گردد.

وی بیان این که هر کسی توفیق ساخت مسجد را ندارد، گفت: فقط و فقط کسانی این توفیق را دارند که اول مؤمن هستند، دوم به قیامت وارد شوند و سوم اقامه نماز می‌کنند و به زکات می‌پردازند. پیامبر (ص) فرمودند که خداوند می‌فرماید (خدا تعالی من در زمین، مساجد هستند) این مساجد، آسمان‌ها را نورانی می‌کند، همان‌طور که ستارگان، زمین را نورانی‌اش می‌کنند. همچنین پیامبر (ص) فرمودند: «مساجد خانه اقدی امت است و هر که مسجد خانه او باشد، خداوند رحمت و احسانش را و هم اجازه عبور از صراط را برای او تضمین کرده است».

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در روایت دیگری از پیامبر(ص) نقل کرد که هر کسی به طرف مسجد بجهت قدمی که بر می‌دارد،مسج حسنه به او عنایت می‌شود؛یکی این که در اعمال و ا ۱۰-سنه نوشته می‌شود؛دوم ۱۰ گناه او بخشیده می‌شود و سوم ۱۰ روز مقام او نزد خداوند بیشتر می‌شود.

محمدی گلپایگانی ادامه‌داد:روایت دیگری ازپیامبر(ص) به کسانی که در تاریکی به مساجد رفت و آمد می‌کنند، نور چهره و نور قیامت بشارت داده شده است.

وی گفت: یکی از مدعیان مردم در روز قیامت، مساجد هستند که شکایت می‌کنند. در حدیث داریم هیچ نماز برای نمازگزار م‌ک‌ها در روز قیامت نیست، الا در مسجد؛ مگر این که نماز

ظریف: لجن بر اکنی ترامپ خدش‌ای به استقامت مردم ایران نمی‌زند

وزیر خارجه ایران با بیان این که خواهان تعامل گسترده با جهان هستیم، گفت: هیچ کشورهای خاشیه‌خیز فارس نیستیم که به محض دیدن یک اخم از سوی آمریکا سراسیمه روانه کمپ دیوید شدند.

به گزارش فارس، محمدجواد ظریف که به دعوت مائشانه وزیر خارجه آفریقای جنوبی و شرکت در سیزدهمین نشست کمیسیون مشترک همکاری ایران اقتصادی ایران و آفریقای جنوبی به پرتوراید سفر کرد، در دیدار با ایرانیان مقیم این کشور گفت:

این روزها کهه زمزمه های نامناسبی از سوی برخی تازه واردان به عرصه سیاست شنیده می شود لازم است یک بار دیگر برای خودمان یادآوری داشته باشیم که جمهوری اسلامی ایران به یمن حضور، پرتافخر و پرتصلات مردم ۴۰ سال گذشته تنهاست؛ فشارها، تحریم‌ها، جنگ‌ها و تجاوزات را با سربلندی پشت سر بگذارد و کسانی که بر ایران اشرار آوردند و ایران را مورد تهاجم قرار دادند، عبرت تاریخ شدند و ملت ایران سربلندر از روز اول، استوارتر و قدرتمندتر از روز اول حضور دارد.وزیر خارجه اضافه کرد: ایران کشوری است که امتیاش را وامدار هیچ کس جز مردمش نیست. ایران کشوری است که پیشرفت اقتصادی و علمی و فناوری خودش را وامدار هیچ جا جز مغز ایرانی نیست.

امروز در این جمع بزرگانی از ایرانیان برجسته در آفریقای جنوبی و دانشمندان و متخصصان برجسته داخلی از جمله روان، جانشینکهای دانش بنیان، صنایع نفت و گاز برای کشور، افتخار می آورنند و این افتخارات بسیار می‌شماره‌ای خارجی صورت گرفته است.

وی گفت: شما امروز به دور اطراف کشورتان گام می‌کنید. یک کشور را پیدا کنید که امنیت ایران را دارد و آن وقت یک کشور را پیدا کنید که علیرغم همه فشارهای خارجی امنیت دارد. تمام کشورهای نیستیم که به محض دیدن لجنند

عامل گسترده با تمام جهان هستیم. تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس نیستیم که به محض دیدن یک اخم

دیوید آمریکا سراسیمه روانه کمپ می‌شوند. مثل آن کشورها نیستیم که به محض دیدن لجنند

وزیر خارجه امروز در این نشست با تمام مشروطیت خود، با پیشرفت‌ها و با مردم فرهنگ ایرانی و اخلاق ایرانی در

وزیر خارجه افزود: این نشانگر این واقعیت است که ما مشروطیت خود نمونه های زیبایی از تمدن و قدرتمان و پیشرفت‌ها را از مردم

می‌گیریم و نتسائنگر این واقعیت است تا زمانی که شما (امریکا) همراه کشور و نظام و انقلاب خود هستید



اخبار داخلی

## معاون اول رئیس جمهوری: باید زمینه‌های فعالیت بخش خصوصی را فراهم کرد

داشت: باید علاوه بر ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی در استان لرستان، زمینه را برای حضور شرکت های سرمایه گذار نهادهای عمومی مهیا کنیم.وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به فضاسازی های اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران و مسائل منطقه،خاطر نشان کرد:سخنرانی رئیس جمهوری آمریکاعلیه ایران و دیگر مسائل از این دست، بیش از آن که اقدامی عملیاتی باشد، تلاشی در جهت متشنج کردن فضای داخلی کشور است و دشمنان سعی می کنند که ملت ایران را نگران و نسبت به آینده نامیدکنند.

معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر این که در مقطع فعلی انسجام داخلی بیش از هر زمان دیگری از اهمیت برخوردار است، تصریح کرد: لازمه انسجام داخلی همراهی و هماهنگی بیش از پیش دولت و مجلس و جریان های سیاسی مختلف کشور است تا بتوانیم از این دوران هم به خوبی عبور کنیم.در این جلسه که معاون

توسط بیان برکت تعداد ۲۰۰ مسجد و مرکز فرهنگی در ۲۴ استان افتتاح کرد و به عنوان هدیه به مقام معظم رهبری به مردم این مناطق تحویل داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش مساجد در مناطق کمتر توسعه یافته در ۲۴ استان افتتاح کرد و به عنوان هدیه به مقام معظم رهبری به مردم این مناطق تحویل داد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در این مراسم در سخنانی با اشاره به این ابر زمین حسینی، گفت: وجود دشمنی های زیاد، مردم عاشق امام حسین (ع) هستند.

به گزارش سخنگار ما،حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی با تأکید بر شخصیت علمی و جایگاه والای امام ربانی در تاریخ، افزود: در این شخصیت افتخار شیعه است و حق بزرگی به گردن ما دارد. علمای این‌جنوبی، واسطه بین ائمه معصوم و مردم در طول تاریخ بودند و حتی در این راه شهادت می‌دادند. اگر نبودند، ما بیانات امام را اختیار نداشتیم.

وی با اشاره به برنامه این ستاد برای رفع تمامی مشکلات در ۱۶ شهرستان و بخش کشور گفت: در شهرستان‌های راور، جزیره هرمز، نهبندان، دلگان، سرا،، بيجار، چالوسان، باش، تکاب، نورآباد لرستان، کارون، باوی و حمیدیه در خوزستان و برنامه ریزی‌ها در دست انجام است تا با همکاری استانداری و دستگاه‌های دولتی، همه مسائل آنها حل شود.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره) با بیان این که یک سیستم هوشمند در ستاد اجرایی کار می‌کند، افزود: کارهای اساسی زیادی انجام شده است، از جمله در حوزه در، کاهش واردات و رفع نیاز بیماران خاص، خدمات خوبی انجام شده است. مردم در دنیا و کشور ایران رحم خداوند شده و هرکس از آن استفاده کند، دیگر به این سرطان مبتلا نمی‌شود.

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره) در حال ساخت و است و به زودی ارائه خواهد شد.

مخبر گفت:شانزدهمین هم‌چنین آمبول سکنه در دنیا وجود دارد که اگر زیر دو ساعت به بیمار زده شود، انگار در سکنه نکرده است و بی بیان این که آمریکا و اسرائیل برای امنیت کشور

نقشه کشیده‌اند، برنامه داشتند در اقلیم کردستان عراق، اول مردم به وجود بیاورند. شمرآو است که هنگام همه‌پرسی، پرچم اسرائیل را برافراشتند و بعد از همه‌پرسی، اسرائیل به آنها تیریک گفت.

محمدی گلپایگانی در پایان خاطرنشان کرد: به برکت وجود رهبر معظم انقلاب و سراد سلیمانی، نقشه‌های آنها به هم ریخت، کرکوک که منطقه نفی شمال عراق است و تا ۹۰۰ هزار بشکه استخراج داشت و بدون اخوان دولت مرتزی، به اسرائیل صادر می‌شد؛بدون این که خون ریخته شود،به دولت مرکزی برگشت و هرچه باقیه بودند، پنبه شد.

رئیس ستاد اجرایی فرمان محم (ره) هم در این

مراسم با تأکید بر نقش مساجد در تقویت ایمان و معنویت جامعه، گفت: تمامی شهدا و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و مالمافع حرم و امامه از پایگاه مساجد هستند. بنابراین باید مسجد را جادی بگیریم.

دکتر محمد مخبر افزود: شاخصه حکومت علی (ع)

عدالت است و تفاوت جمهوری اسلامی با دیگر نظام‌های اسلامی منطقه، ولایت‌فقیه است. در حکومت علوی، اشراف‌گری نداریم و رهبر معظم انقلاب با این موضوع مخالف هستند؛ البته ایشان مخالفتی با خلق ثروت ندارند و حکومت اسلامی هم مخالفتی ندارد و نظام اسلامی به دنبال توزیع فقر نیست. وی با اشاره به ظرفیت‌های کشور در حوزه‌های مختلف، خاطرنشان کرد:ایران ۲۸۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد که از همین منابع می‌توانیم کشور را اداره کنیم. همچنین ظرفیت‌های بسیار در حوزه‌های معدن و... وجود دارد؛ به طوری که با این

هیچ لجن پراکنی توسط افرادی مثل

ترامپ نمی‌تواند ذره‌ای در استقامت و پیشرفت و دفاع و مقاومت و در سربلندی و افتخار مردم ما خدشه وارد کند.

به همین دلیل است که در وزارت خارجه به و نه در شعار خود را خمدنگران کشا می‌دانیم. همه مهارکاران من در این وزارتخانه موفقند. با هر ایرانی‌جه که ایرانیان کارآفرین چه دانشجوی ایرانی و چه ایرانیانی که به دلایل مختلف تصمیم

وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین افزود: باید شرایطی فراهم شود تا واحدهای متوسط و بزرگ بتوانند ایجاد شوند که بر این اساس در بوجه‌د ۹۷ باید امکان فعالیت این واحدها به ویژه توسط اتاق های بازرگانی و صنایع و بخش خصوصی فراهم شود و به سمت ایجاد شرکت‌های بزرگ و متوسط صادرکننده حرکت کنند.

شرعتمداری، استفاده از کمک های فنی برای پرداخت تسهیلات صادراتگرا را یکی دیگر از اقدامات ضروری در این حوزه خواند و گفت: فعالان این بخش سرفازان و سرازان عرصه اقتصادی هستند که این بخش تهیه خوبی برایشان ریخته شود می‌توانند بازارهای جهانی را فتح کنند.

سرویس سیاسی – جلسهِ شورای مجمع روحانیون مبارز دوشنبه شب تشکیل یبایشه ای صادر شد.

من بیان به این شرح است: در این جلسه پس از ارائه اخبار و گزارش‌های داخلی و بین‌المللی و بحث پیرامون آنها از آنچه که نسبت به یکی از هفوطان محترم زرتشتی عضو شورای شهر یزد مطرح شده است، آرا از آشف شد.

در جمهوری اسلامی و بر اساس قانون اساسی که به تأیید حضرت امام و مراجع عظام رسیده است، هفوطان غیر مسلمان، به عنوان شهروند جمهوری اسلامی همچون همه اعضای مجلس حق اظهار نظر و رای دارند. و بیش از آن هم با نظر برقرار و معلمان و قیپهان بزرگوار چون اموری در مجلس پس از مشروطیت هم به رسمیت شناخته شد در حالی که موقعیت مجلس شورای اسلامی و نقش نماینده آن نسبت به مسائل کلان کشور بسی مهمتر از شورای شهر است.

مجمع روحانیون مبارز ضمن دفاع از حقوق شهروندی همه هفوطان و اعلام این که در ارد که این موقعیت حساس که دشمنان از هر جهت به پی ضربه زدند به جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند به هیچ وجه نباید وحدت و انسجام ملی را مخدوش و بهانه به آنان داد. امید است که با تدبیر مسئولان امر این موضوع به زودی حل شود و کسی که در دوره چهارساله بدون هیچ اشکالی در شورا بوده است بتواند به وظیفه خود عمل کند.

روابط عمومی مجمع روحانیون مبارز

## چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۶- ۵ صفر ۱۴۳۹- ۲۵ آذر ۱۴۰۷- ۲۰ سال محرم نورادوم - شماره ۲۶۸۵۱

رئیس جمهوری در امور مجلس و معاون مجلس و رستایی و مناطق محروم کشور هم حضور داشتند استانداری لرستان هم گزارشی از وضع استان ارائه کرد و به تشریح نیازها و مسائل استان

رئیس مجمع نمایندگان استان لرستان هم در این نشست با بیان این که نمایندگان این مجمع متشکل از افرادی است که دارای گرایش های سیاسی مختلف هستند، افزود: با این وجود همه اعضای مجمع نمایندگان استان لرستان در یک موضوع اشتراک نظر دارند و آن حمایت از دولت تدبیر و امید است و همگی موفقیت دولت را موفقیت خود می‌دانند. در این جلسه، نمایندگان مردم استان لرستان در مجلس شورای

اسلامی هر کدام در سخنانی مملو از طرح مسائل کلان و کلیات سیاست‌ها و مسائل حوزه های انتخابیه خود را مطرح و پیشنهاداتی در جهت بهبود و ارتقاء جایگاه استان لرستان مطرح کردند.

مختصات نباید فقیر و بیکار در کشور داشته باشیم. مخبر اظهار داشت: بیکاری و فقر ضد عدالت است و در این شرایط نباید هیچ عزم ملی برای رفع فقر و محو هسیتیم، به همین منظور در ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، یک نهضت اساسی در چند محور اتفاق افتاده که مهمترین آن، رفع بیکاری است.



























## در گذشت کامیوندار جنگ جهانی دوم در فرخشهر

شهرکرد - خبر نگار اطلاعات : یکی از کامیونداران ایرانی جنگ

جهانی دوم در سن ۱۰۲ سالگی درفرخشهر فوت کرد.

مرحوم اکبر کاینپور فخرهی که یکی از آخرین بازماندگان وقایع جنگ جهانی دوم در ایران بود از اهالی شهر فرخشهر چهارمحال و بختیاری بود که در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان راننده کامیون فعالیت می کرد.

نوه کاینپور می گوید: مرحوم اکبر کاینپور فخرهی نخست به شغل خیاطی اشتغال داشت، اما پس از مدتی راننده کامیون شد.محمدرضا کاینپور فخرهی با ارائه گواهیمانه این مرحوم که متعلق به زمان جنگ جهانی دوم در ایران است به نقل از وی افزود: در آن دوران کاروان کامیوهای سنگین، متشکل از ۱۵۰خودرو به شکل واحد حرکت می کردند که با آن کاروان ها می گشتند. این کاروان را ۴ نفر از افسران متفقین هدایت می کردند و دو طول روز استراحت می کردند و شب ها به سمت شمال کشور در حرکت بودند و مرحوم کاینپور یکی از این رانندگان بود. او پدر بزرگش نقل کرد که این کامیون ها، گوشت چرخ شده، ماهی آماده خور، شیر خشک و شکر مخلوط، گندم و آذوقه را به شمال کشور منتقل می کردند.

گفتنی است، زمانی که جنگ د دوم جهانی آغاز شد، بسیاری از شوراهای جهات مستقیم و یا غیر مستقیم درگیر این جنگ بزرگ شدند. جنگ دوم جهانی که با حمله نازی های آلمان به رهبری هیتلر در اروپا از ۱۹۳۹ میلادی آغاز شده بود در سال های پایانی حدود ۱۹۴۵ به بخش های گوناگون و آسیای میانه کشیده شد.

این جنگ در سال های پایانی با اشغال ایران از سوی قوای متفقین به بخش های شمالی و جنوبی کشور نیز رسید و در بخش هایی از ایران نیز مردم به مقابله با نااشاگران پرداختند.

در این بین قوای متفقین برای کمک رساندن به منطقه جنگی شمال که روس ها در آن با آلمان های نازی در حال جنگ بودند از محور جنوب به شمال ایران استفاده می کردند.متفقین اشغالگر برای کمک رسانی به نیروهای جنگی در شمال ایران به زور کامیون های ایرانی را در اختیار خود می گرفتند و از رانندگان می خواستند تا آذوقه و مهمات را به شمال کشور منتقل کنند و یکی از کامیون داران جنگ جهانی دوم اکبر کاینپور فخرهی' بود.

### انهدام شبکه خرتی پلیس زور گیر در عملیات خرتی سابق مازندران

ساری - خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی مازندران از شناسایی و انهدام شبکه سارقان زور گیر در غرب استان در عملیات ضربتی پلیس امنیت عمومی خبر داد.سیدمحمود میرفیضی گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت و زورگیری در شهرستان‌های غرب استان از کسبه، چند نفره ه سرفت داخل خودرو از سوی سرشنیان یک دستگاه خودرو سواری سوناتا سفید رنگ موضوع به طور ویژه در دستور کار ماموران پلیس امنیت عمومی قرار گرفت.

وی اظهار داشت: به انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی و تحقیقاتی پلیس با شناسایی متهمان به سرقت و خودرو مور نظر، ماموران پلیس امنیت عمومی با همکاری عوامل پلیس آگاهی شهرستان نوشهر و هماهنگی قضایی، متهمان را حین تردد با خودرو شناسایی و برای متوقف کردن آن‌ها دستور ایست صادر کردند که راننده خودرو بدون توجه به اخطار پلیس اقدام به فرار کرد.میرفیضی یادآور شد: ماموران با عکس‌العمل سریع و دلاورگانه خودرو را در به علت سرعت زیاد از مسیر منحرف و واژگون شده بود، متوقف کردند.

وی با اشاره به شناسایی و دستگیری ۱۳ مردی که ی زن به اتهام سرقت‌های گسترده و زورگیری در این عملیات پلیسی، افزود: در بازرسی از خودرو متهمان مقادیر قابل توجهی ملابجات، مارکک شناسایی جعلی، کیف زنانه، چندین دستگاه تلفن همراه و دستگاه کارت خوان کشف شد.

او با اشاره به تحقیقات اولیه به عمل آمده از متهمان اظهار داشت: این افراد که دارای سابقه سرقت در استان‌های دیگر نیز بودند، با کارندای اطلاعاتی و اقدامات پلیس در غرب استان شناسایی و دستگیر شدند. او از ادامه تحقیقات پلیس در این خصوص خبر داد و افزود: با هماهنگی قضایی موضوع در دست بررسی بیشتر پلیس قرار دارد.

## تسلیم جناب آقا علی قزاق به همکار روزنامه اطلاعات در فیروزکوه با نهایت تأسف و تأثر در گذشت برادر گرامیان را به حضر تعالی و خانواده محترمان از صمیم قلب تسلیت عرض می نمایم.

سرویس اخبار شهرستان‌های روزنامه اطلاعات

## استقبال ویژه مراجع تقلید از فعالیت موکب آستان معصومه (س)

قم -خبرنگاراطلاعات:معاون فرهنگی آستان مقدس قم،به‌عنايت ويژه مراجع تقلید نسبت به فعاليت موکب آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله عليها اشاره کرد و گفت: این شخصيت‌ها بیانات و تعابير مختلفی نسبت به این موکب داشته‌اند که این بیانات شوق خادمان اربعين را زیادتَر می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین صفـر سالـح در نشست خبری که در فـالـح جلسات حضرت خدیجه(کتابخانه آستان مقدس

کریمه اهل بیت(ع) برگزار شد، با اشاره به اینکه حماسه پیاده‌روی

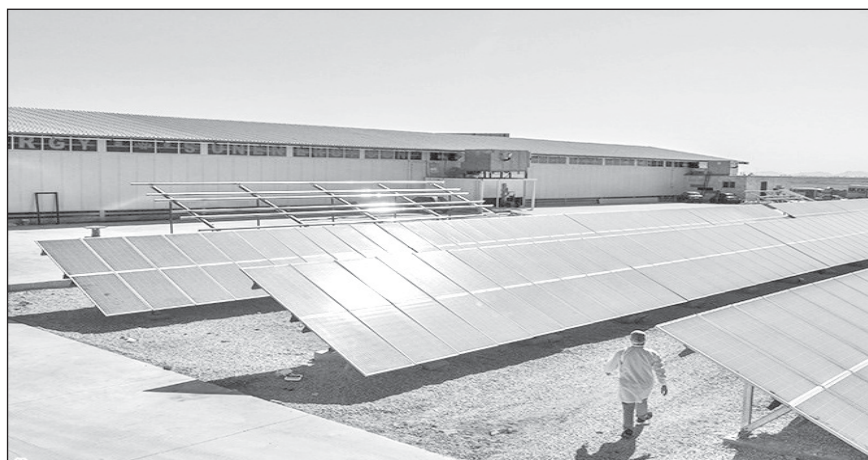
اربعین حسینی طی چندین سال اخیر آثار و برکات بسیاری را به دنبال داشته است، اظهار کرد:در راستای ترویج و نشر معارف

اهل بیت(ع) نشر فرهنگ فاطمی با الگوبرداری از حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها به برپایی

موکب آستان مقدس کریمه اهل بیت(ع) اقدام کرده‌ایم. معاون فرهنگی آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه آستان مقدس آله علیها اضافه کرد: موکب این آستان مقدس برای خدمت‌رسانی به زائران و هم‌افزایی با موکب‌های مختلف اربعین در عموم ۱۰۸۰ مسیر نجف به کربلا برپا می‌شود.

وی با بیان اینکه آستان مقدس کریمه اهل بیت(ع) نقش فراهم‌سازی زمینه‌شمارکت مردم در پذیرایی از زائران اربعین حسینی است، گفت: هزینه‌های مختلف موکب این آستان مقدس با کمک‌های خیرین دنبال می‌شود

### اتریش ۴ نیروگاه خورشیدی در شمال فارس می سازد



منظور اخذ مجوز سه نیروگاه خراجی و پیگیری لازم جهت عملیاتی شدن این پروژه‌ها برای هیات اتریشی آمادگی لازم را دارد. وی همچنین با بیان اینکه این نیروگاه‌ها شامل ۲ نیروگاه ۱۰ مگاواتی و ۲ نیروگاه ۲۵ مگاواتی است تأکید کرد: جامایی زمین مورد نظر این کشور خواهد کرد.

منظور اخذ مجوز سه نیروگاه خراجی و پیگیری لازم جهت عملیاتی شدن این پروژه‌ها برای هیات اتریشی آمادگی لازم را دارد. وی همچنین با بیان اینکه این نیروگاه‌ها شامل ۲ نیروگاه ۱۰ مگاواتی و ۲ نیروگاه ۲۵ مگاواتی است تأکید کرد: جامایی زمین مورد نظر این کشور خواهد کرد.

### پشتتازی گروه فولاد مبارکه در افزایش تولید

تولید تختال در فولاد مبارکه و مجتمع فولاد سبا گفت: در گروه فولاد مبارکه در تولید آهن اسفنجی ۴ درصد و در تولید فولاد که به ۱۵ درصد رشد، بیشترین میزان رشد تولید را در بین فولاد سازان کشور به خود اختصاص داده است.

مدیرعامل گروه فولاد مبارکه در گفت‌وابی مدیریت و کارکنان فولاد مبارکه با بیان این مطلب افزود: در بخش کنگله سازی نسبت به برنامه سالانه ۲ درصد و نسبت به مدت مشابه پارسل ۴ درصد رشد محقق شده است و انتظار می‌رود با بهره برداری کامل از ظرفیت واحد کنگله سازی سنگان به رشد فرایندهای

در این زمینه منطبق بایم.

در روز جمعه ۳۱ به‌اشارة به رشد ۱۰/۸ درصدی تولید آهن اسفنجی در واحدهای احیای مستقیم فولاد مبارکه و مجتمع فولادسپا و رشد ۱۱/۸ درصدی در

تولید تختال در فولاد مبارکه و پرداخت و گشت: در تولید این

### نیاز مندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۱-۲۲۲۵۳۳۳۰

کارت گزینش و تولید آگهی‌ها در روزهای ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۳/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۴/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۴/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۵/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۵/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۶/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۷/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۷/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۸/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۸/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۹/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۶ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ و ۱۳۹۶/۱۲/۰۹ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۵ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۶ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۷ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۸ و ۱۳۹۶/۰۱/۰۹ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۰ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۱ و ۱۳۹۶/۰۱/۱۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۱ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۴ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۵ و ۱۳۹۶/۰





























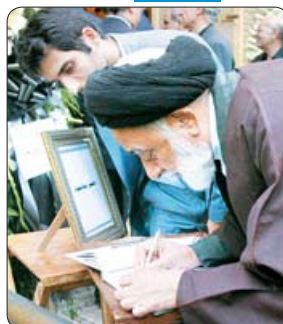




خاطره احمد مسجد جامعی از زنده یاد طاهره صفارزاده

عکس یادگاری

۴-۵ عکس



به روایت تصویر امضای بزرگان

۳ خاطره



خاطره صفارزاده از مخالفتش با حزب رستاخیز به شاملو گفتم ...

ویژه نامه زنده یاد صفارزاده

۳۳۱

چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۶ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۵۱



بانی صفارزاده در کلام استادش دکتر باستانی پاریزی  
شاعره قوی دست کرمانی

اشاره: استاد دکتر باستانی پاریزی، در وصف روزگار معلمی و مدیری خود، از شاگردان موفقش اسم می برد که یکی از آنها مرحوم طاهره صفارزاده است. در زمان این گفتگو، حدود سه سال از درگذشت مرحوم صفارزاده گذشته بود و اکنون ده سال گذشته است. در این فاصله، خود استاد دکتر باستانی پاریزی هم دار فانی را وداع گفت تا این گفتار که گفتار استادی زنده در حق شاگرد وفات یافته اش بود، به قطعه ای از تاریخ پیوندد. از درگاه خداوند متعال برای هر دو بزرگ طلب رحمت و غفران و علو درجات می کنیم.

بی نظیری بودند. همانطور که گفتم، این گروه معلم صدها و هزارها شاگرد کرمانی بودند و معلم خود من هم که مدیر و معلم مدرسه بودم، بودند و استادم به حساب می آمدند. \* در دوره تدریس و مدیریت شما، در آن هفت سال، آیا کسی بود که به جای برسد و توفیقاتی کسب کند که امروز بخواهید ذکر کنید؟

بله. خیلی از دانش آموزان ما ادامه تحصیل دادند و در رشته های مختلف فارغ التحصیل شدند. چند نفر از آنها پیشرفت های خوبی کردند و علاوه بر کسانی که در داخل ایران موفقیت پیدا کردند، عددهای از آنها نیز به خارج رفتند. می دانم که تعدادی از همین دانش آموزان «معلم» و «مدیر» دبیرستان و «استاد» شدند. برای نمونه از دو نفر از دانش آموزان موفق آن ایام اسم می برم. یکی از آن دانش آموزان، دختری بود به نام «حکمی» که اهل بم بود. او دختری بود که وضع مالی خانوادگی مشخصی داشت. پدرش در بم کارگر عادی بود و امکانات چندانی نداشت. به همین جهت، این دختر خانم، به زحمت در کرمان درس می خواند و ادامه تحصیل می داد. با این حال، او استعداد قوی داشت. خاطرم هست که او بعد از گرفتن دیپلم، در دانشکده پزشکی قبول شد و درس خواند و خیلی زود پیشرفت کرد و بعد هم به آمریکا رفت و الآن، سالهاست در آمریکا است و یکی از اطباء خیلی مهم ایالتی است که در آنجا زندگی می کند. \* نفر بعدی.

شخص دیگر، خانمی بود به نام میزرا حی که یهودی بود. این اسم، در همان روزهای مدیر مدرسه بودن هم، برای من تازگی داشت. او مسلمان نبود، یهودی بود، ولی دختری نجیب و فهمیده و باسواد و علاقمند به درس بود.

\* ما می دانیم که شما به مدت ۷ سال در جوانی در کرمان معلم و مدیر بوده اید. از آن روزگار صحبت کنید.

کاملاً درست است. من در اینجا می خواهم از فرصت استفاده کنم و اسمی از آنها بیاورم. آنها مردمانی فهمیده و اهل فضل و سواد بودند. یکی از معلم های آن مدرسه خانم فاطمه صمدانی بود. پدر او هم مردی اهل کمال بود. او منبری بود و اهل قلم هم بود و چیزهایی را نوشته بود. همچنین خانم وکیل بود که معلم زبان بود. این اسم ها را به این جهت می آورم که درست است که معلم بودند، ولی معلمان اولیه من هم بودند، از جهت اخلاق و رفتار اجتماعی و به این جهت، برای من بسیار بااهمیت بودند. من بیش و پیش از معلمین تهرانم، از این معلم ها استفاده کردم. یکی از خانم های مدرسه ما، خانمی بود به نام عشقی که ناظم دبیرستان بهمینار بود.

خانمی هم بود به اسم خانم زهرا شهابی که مدیر قسمت خانه داری دبیرستان بود. خانم حکیمی پور هم قسمتی از خانه داری را درس می داد. خانم محمدزاده، زنی فاضله و فهمیده بود که دروس ریاضی و هندسه و حساب را تدریس می کرد. خانم مدرس زاده و خانم هاماس - که ارمنی بود - خانه داری تدریس می کردند. خانم رشیدی، زنی زرتشتی بود و نقاشی درس می داد.

\* ظاهر از هر گروهی در آنجا بوده اند! طبیعتاً چنین بود. خانمی داشتیم به نام گواشی که معلم ورزش بود. خانم لهسایی ناظم دبیرستان بود و زن بسیار کارداران و فهمیده ای هم بود. خانم ناهیدی معلم زبان انگلیسی بود و خودش هم در مدرسه دوشیزگان درس خوانده بود. او هم بسیار فاضله و فهمیده بود. خانم صوتی هم سرایدار مدرسه ما بود. نظر من این است که این اشخاص، زنان کم نظیری در اخلاق و فهم و فضیلت و سواد و درستی و صحت عمل و کلا خانم های

آموزه

عشق،  
مرغ شبان فریب است  
دور می شوی  
نزدیک می شوی  
نزدیک می شوی  
دور می شوی



طاهره صفارزاده

قلم انداز

## بزرگداشت بانوی شعر و ادب و تعهد خاطره دیدار با امام

نخستین کنگره «طنین بیداری» به مناسبت پنجمین سال درگذشت مرحوم طاهره صفارزاده اول آبان ۹۲ با حضور جمعی از شاعران و چهره های فرهنگی و نیز رئیس حوزه هنری در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد.

در ابتدای این مراسم رضا اسماعیلی دبیر این کنگره در سخنانی با اشاره به اینکه این «مراسم تلاشی است به منظور ایجاد شناخت کامل از شخصیت مرحوم صفارزاده»، اظهار کرد: صفارزاده نامی بلند و چهره جهانی دارد اما ما در معرفی او کوتاهی های زیادی کرده ایم.

وی ادامه داد: ایشان صاحب ترجمه فاخر از قرآن هستند و با اشراف به آیات قرآن در سالهای پایانی عمر هم مشغول ترجمه ادعیه بودند و در عین حال سالها نیز در انتشارات سمت به تبیین و تدوین کتب درسی اشتغال داشتند.

وی در ادامه با اشاره به خاطره دیدار صفارزاده با حضرت امام (ره) و تحولی که این دیدار در روح او ایجاد کرد گفت: شعرهای صفارزاده در مجموعه های منتشر شده از او در سالهای پس از انقلاب نشان داد که او در مسیر روشنگری، بیداری و لبیک با امام (ره) گام برداشته است و تکریم از او امروز وظیفه ماست.

اسماعیلی در ادامه با اشاره به فراخوان «جایزه ادبی طاهره صفارزاده» گفت: با اینکه مدت زمان انتشار این فراخوان تنها یک ماه بود اما استقبال گسترده ای از آن به عمل آمد و بیش از ۵۰۰ قطعه شعر برای این کنگره ارسال شد. در کنار آن حدود ۲۵ مقاله نیز به دست ما رسید که امروز از برگزیدگان آن تجلیل می شود.

وی اظهار امیدواری کرد: در سالهای آینده این کنگره بتواند با زمان بندی مناسب و تشکیل دبیرخانه ثابت به شکلی شایسته تر برگزار شود.

اسماعیلی در پایان گفت: برادر مرحوم صفارزاده روزی به من گله می کرد که ما ملت مرده پرستی هستیم اما در مورد خوارم انقدر بی مهری نهادهای مختلف زیاد بود که حتی پس از فوت او نیز به وی و شخصیتش چندان توجهی نشد. من امیدوارم به همت دوستان حوزه هنری این جایزه روز به روز بالنده تر شود چرا که برای تکریم فرهنگ، هنر و ادبیات باید صاحبان آن دست به کار شوند.

در ادامه این مراسم جلال صفارزاده برادر مرحوم طاهره صفارزاده در سخنانی با اشاره به اینکه ۵ سال پس از درگذشت خواهرش هنوز نتوانسته کاری کند که به زعم وی روان او شاد شود گفت: سال گذشته با تلاش انتشارات پارس کتاب دیوانی برای او آماده کرد. سعی کردم در سیرجان که زادگاه خوارم است هم برای او کاری بکنم. شورای شهر سیرجان به ما ۲ - ۳ هکتار زمین داد، کل مبلغی هم که با حکم دادگاه به عنوان ارثیه خوارم از منزل همسرش رسید ۱۰۹ میلیون تومان بود که من با اضافه کردن مبلغی آن را به ۲۰۰ میلیون تومان رسانده و فندانسیون ایجاد کتابخانه مرجع به نام وی را در آن ایجاد کردم.

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

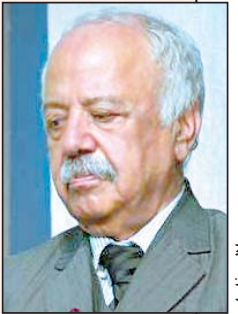


صفا زاده ادامه داد: سال گذشته با همت وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکانی در یک ساختمان نوساز متعلق به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیرجان به ما اختصاص داده شد و من تمامی ۷ هزار جلد کتاب طاهره را به آنجا منتقل کرده و شماره گذاری کرده ام که در اردیبهشت ماه با حضور وزیر ارشاد و جناب حجت الاسلام دعایی افتتاح هم شد.

وی ادامه داد: در این سالها سروصداهای زیادی بلند شد که ما میلیارد ها تومان ارث برده ایم در حالی که کل مبلغ ارثیه خواهر من همان ۱۰۹ میلیون تومان بود. خانه اش هم در زمان حیاتش یک بار فروخته شده اما کلیدش دست من است به نظر من بهتر است مبلغ آن برای ایجاد کتابخانه مرجع به سیرجان منتقل شود و شاید این کار باعث بشود که بتوانم روزی پیکر خواهرم را هم به کنار مزار پدر و مادرش در سیرجان منتقل کنم.

## دیدار با امام

حجت الاسلام والمسلمین دعایی سرپرست موسسه اطلاعات نیز دیگر سخنران این مراسم بود. او با اشاره به آشنایش با مرحوم صفا زاده در سالهای پس از انقلاب گفت: یادم هست در سالهای ابتدایی انقلاب ایشان در منزلی استیجاری در حوالی میدان فلسطین زندگی می کرد که مجموعه آن منازل از سوی بنیاد مستضعفان و



جلال صفا زاده

جانبازان مصدوره شده بود و از افراد حاضر در آن خواسته شده بود تا اجاره منازل را به بنیاد بدهند. در دیدار با خانم صفا زاده ایشان به من گفت: که من یک اجاره به بنیاد می دهم و مبلغی که همواره با وی بود، گفت: یادم هست خانم صفا زاده در اینکه حالات مکاشفه ای که برایش رخ می دهد «توهم» است یا «واقعیت» تردید داشت. از این رو، اصرار داشت این حالات را با

## بزرگداشت بانوی شعر و ادب و تعهد

## خاطره دیدار با امام



انسانی بزرگوار و متدین که به او اعتقاد داشت در میان بگذارد و از من خواست که او را به دیدار امام (ره) ببرم. یادم هست صبح روزی که به دنبال او رفتم از من سؤال کردند که با چادر بیایم یا بدون چادر؟ که من به او گفتم حجاب شما حجاب

هم به عنوان اجاره برای صاحبخانه که در خارج از کشور هست می فرستم چون می خواهم در این خانه نماز بخوانم و باید از این نظر خیال راحت باشد.

وی با اشاره به اوقات معنوی طاهره صفا زاده



شرعی کامل است و پیش از این هم دیده ام کسانی با این حجاب به دیدار امام (ره) رفتند. حجت الاسلام دعایی ادامه داد: وقتی به کوچه های جماران رسیدیم، یادم هست که ایشان با درختهای خیابان هم صحبت می کرد و زیر لب می گفت: خوشا به حال شما که چهره یک فرد فرهیخته را نوازش می کنید. وقتی به منزل امام رسیدیم چادر نمازش را از کیفش درآورد و گفت: دوست دارم با این چادر به دیدار ایشان بیام تا متبرک شود.

در محضر حضرت امام (ره) یادم هست وقتی که ضمن معرفی او شعری از ایشان برای امام می خواندم شانه هایش لرزید و در انتهای خوانش این شعر، صفا زاده های های گریه می کرد. پس از آن من به خاطر سؤالی که خانم صفا زاده در مورد حالات روحانی اش از امام (ره) داشت، از آن اتاق خارج شدم و منتظر ایشان ماندم زمانی که بازگشت به من گفت که: حالا دیگر آرام شده ام چون حرفم را برای کسی گفتم که اهل فضل است.

یادم هست همان روز خانم مریم ریاضی، گوینده با سابقه اخبار تلویزیون به دیدار حضرت امام (ره) رفته بود و وقتی از دیدار بازگشته بود، گفته بود: از امام خواسته ام تا در آن دنیا من را شفاعت کند و ایشان گفته اند اگر شفاعتی باشد شما را شفاعت می کنم.

نامه ای به پدرم در شیراز نوشتم. او هم پولی فرستاد و ما آن را به سیزده هزار تومان خریداری کردیم. این کتاب الآن در موزه است و میلیون ها تومان شاید هم میلیون ها دلار قیمت دارد.

جالب ترین نکته ای که باید بگویم، این است که دکتر وصال، در نهایت، بالاخره داماد کرمانی ها شد.

## \* یعنی در کرمان ازدواج کرد؟

داستان این است که من در دوران دبیری در کرمان، دانش آموزی داشتم به نام طاهره خانم صفا زاده. او دانش آموز خوبی بود که شعر هم می گفت. زمانی که دانش آموز دبیرستان بهمنیار بود، شعری در وصف آن دبیرستان سرود که انصافا شعر خوبی هم بود:

یگانه گلشن شهر است، باغ بهمنیار

همیشه به یاد روشن، چراغ بهمنیار  
شعر ادامه دارد و قافیه اش به همین ردیف «بهمنیار» است. خانم طاهره صفا زاده بعد از اینکه در کرمان فارغ التحصیل شد، دکتر کنکور دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز در رشته ادبیات قبول شد. دکتر وصال هم در آنجا درس می داد و طبعاً معلم او شده بود. گویا دکتر نورانی وصال به خانم صفا زاده اظهار علاقه کرده بود، ولی آن زمان ازدواج کرد که ازدواج بی سرانجامی بود و کار به جدایی کشید. ولی دکتر نورانی وصال همچنان به قول شهریار شاعر بزرگ شما همچنان «پسر» مانده بود: تو شدی مادر و، من با همه پیری پسر.

مدت ها گذشت، تا در همین سالهای اخیر، خبردار شدم که خانم دکتر طاهره صفا زاده با آقای دکتر نورانی وصال - که تا آن زمان مجرد مانده بود - ازدواج کرده است. متأسفانه از ازدواج آنها فرزندی حاصل نشد و چند سال قبل هم دکتر وصال از دنیا رفت. چند سال بعد هم خانم صفا زاده، شاگرد با استعداد دوران دبیری ما و شاعره قوی دست کرمانی که نوپرداز هم شده بود - درگذشت.

## \* آیا بعد از ازدواج این دو تن، با آنها ارتباط داشتید؟

بله. در این اواخر، آنها در تهران مقیم بودند و من به خانه شان می رفتم و گاهی آنها را می دیدم. دکتر وصال اواخر عمر نسخه ای از «مزارات شیراز» را به چاپ رساند.

برگرفته از: «باستانی پاریزی و هزاران سال انسان»

## پانوی صفا زاده در کلام استعاره و دکتر باستانی پاریزی

## شاعره قوی دست کرمانی

ادامه از صفحه اول

جالب است که او یکبار پیش من آمد و در مورد معنای فامیل خودش «میزراهی» از من سؤال کرد. معلوم شد که در خانواده خودشان هم بعضی ها نمی دانند که فامیل شان چه معنایی دارد. از من پرسید که شما در مورد این اسم یهودی چیزی می دانید؟ گفتم: چیزی نمی دانم. باید تحقیق کنم تا به شما جواب بدهم.

\* اجازه بدهید آن بزرگوار را بگذاریم و برسیم به دانش آموزی که یا از نوادگان او بود، یا هم کیشانش.

این دانش آموز، از دانش آموزان خوب ما بود که بعدها به اسرائیل مهاجرت کرد و شنیدم که بعدها از شخصیت های مهم آن محل شد.

\* با این وصف، حساب به دست من آمد!

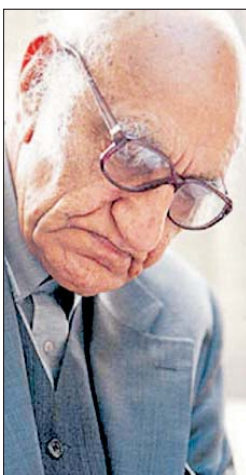
اجازه بدهید از یک نفر دیگر هم اسم ببرم و آن خانم طاهره صفا زاده است که شاعره ای با ذوق و باسواد بود و استاد دانشگاه هم شد. او مترجم قرآن بود و کارهای دیگری که شما بهتر از من می دانید! شما گفتید حساب به دستتان آمد؟

\* گفتم که حساب دستم آمد: مدیریت شما اگر سه دانش آموز شاخص و سه محصول ارزنده داشته است، یکی از آنها سر از آمریکا درآورده، یکی از آنها سر از اسرائیل درآورده، دیگری هم، به آن دنیا سفر کرده است.

این هم از عجایب روزگار است (دکتر باستانی پاریزی می گوید و از ته دل می خندد).

\* آیا شما با دکتر عبدالوهاب نورانی شوهر خانم صفا زاده وصال هم آشنایی و ارتباط داشتید؟

من و دکتر نورانی وصال باهم، در دوره لیسانس همدوره بودیم. همان زمان که او دوره لیسانس می خواند، من هم وارد دانشگاه شدم. وقتی هم که من به دوره پایان لیسانس برسم، ایشان در دوره

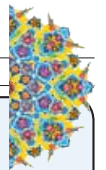


دکتری بود. دکتر نورانی، بعد از به پایان بردن درس خودش در دانشگاه تهران، به شیراز برگشت و استاد دانشگاه شیراز شد. در نتیجه، مدت ها در آنجا تدریس می کرد.

\* طبعاً شما باهم، هم سخن و هم صحبت بوده اید. از هم سخنی و هم صحبتی با دکتر نورانی وصال چه خاطره ای دارید؟

دکتر نورانی وصال، یکبار به من گفت: موقعی که من در دانشکده ادبیات درس می خواندم، مرحوم احمد سهیلی خوانساری مرا خواند و گفت: شاهنامه جد شما؛ یعنی شاهنامه ای که مرحوم داوری نوشته و بقیه برادرهایش هم رویش کار کرده اند و نقاشی کرده اند، الآن در دست کسی است که می خواهد آن را بفروشد. اگر پول داری، بیا آن را بخر و اگر تو نخری، آن به خارج از ایران خواهد رفت. من موضوع را در





## خاطره

\* به عنوان سوال نخست ممکن است بفرمایید چرا در تاریخ ادبیات فارسی زنان کمتر در حوزه شعر حضور داشته‌اند؟ از رابعه بنت کعب قزداری - به عنوان نخستین شاعره زن پارسی‌گو - تاکنون، کمتر شاعر زن جدی و به اصطلاح حرفه‌ای داشته‌ایم: پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، شما و چند چهره دیگر از جمله این شاعران زن موفق هستید.

برای اینکه از آغاز قرار بود که زنان عموماً به وظایف خانه‌داری بپردازند و بعد هم برنامه سوادآموزی و تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی هم برای این قشر کند و دیر و مغایر با مردان تدوین شد؛ از طرفی در یک جامعه مردسالار، مردها حشر و نشر آزاد داشتند در کافه‌ها، رستوران‌ها، مراکز فرهنگی و پای منقل‌ها گرد هم می‌آمدند و از هم می‌آموختند، الهام می‌گرفتند و بده و بستان‌های تشویقی، نان‌قرض‌دادن‌ها همه از عوامل افزایش اتکای آنها به پیشرفت و شهره‌شدن بود؛ زنان از این امتیازات و امکانات برخوردار نبودند.

\* در میان شاعران زن، کدام یک بیشتر به تعریفی که شما از شعر مدنظر دارید، نزدیک‌ترند؟

از جهت توجه به مضامین انسانی - اجتماعی و روشنفکری که پالایش اندیشگی را برای خواننده تأمین کرده، خانم پروین اعتصامی مورد احترام من هستند.

\* به نظر می‌رسد شعر شما به لحاظ اینکه چندان متأثر از حس زنانگی نیست، به شعر پروین اعتصامی خیلی نزدیک است. برخلاف فروغ که شعرهایش آشکارا بیانگر این نکته است که به وسیله یک زن سروده شده.

شاید این‌طور باشد. من هم در ۱۰ مجموعه شعر ده‌تایی شعر زنانه دارم، اما اندیشه در شعر من وجه غالب است.

خانم صفارزاده! در سال ۱۳۵۵ مقاله‌ای از شما در روزنامه «کیهان» به چاپ رسیده است که نقدی بر کتاب «حافظ به روایت احمد شاملو» است. ممکن است مهم‌ترین ایرادهای وارد بر حافظ شاملو را یک‌بار دیگر در اینجا مطرح کنید؟

من «حافظ شاملو» را در خانه دوستی دیدم. در نگاه اول نقطه‌گذاری و جداسازی ابیات، آشفته‌ام کرد. دیوان را امانت گرفتم و هرچه بیشتر خواندم، بیشتر معتقد شدم که سکوت در مقوله حافظ جایز نیست. شاملو درباره مهم‌ترین کوششی که در راه تصحیح دیوان حافظ به کار برده می‌گوید: «به اعتقاد نویسنده این سطور بزرگ‌ترین لطمه‌یی که به دیوان حافظ وارد آمده است به هم خوردن ترتیب و توالی غزل‌هاست».

و بعد چاره‌اندیشی خود را شرح می‌دهد: «هر غزل از لحاظ تداوم به توالی ابیات مورد دقت قرار گرفت. این کاری سخت و توانفرسا بود و سال‌های متمادی وقت صرف آن شد... در یک غزل حافظ معمولاً موضوعات مختلفی مطرح می‌شود یا به تداعی پیش می‌آید. برای فصل و جدا کردن موضوعات مختلف از یکدیگر نشانه را برگزیده‌ایم. تعیین ابیات یک غزل تا جایی که با علامت فصل قطع نشده است، در زمینه واحدی است. این ابیات تا جایی که در یک خط و یک مسیر پیش می‌روند به دنبال هم‌اند و از آنجا که این مسیر قطع می‌شود، تا همان موضوع از جهتی و در

روزنامه‌اعتماد در سالهای پیش به مناسبت سالمرگ طاهره صفارزاده، بخشی از یک گفتگوی بلند منتشر نشده با ایشان درباره ادبیات متعهد را منتشر کرد که حاوی نکاتی جالب است.

مرحوم صفارزاده در این گفتگو که در روزهای پایانی عمرش انجام شده به نقل خاطره‌ای از احمد شاملو شاعر نام‌آور سپید سرا می‌پردازد و می‌گوید: شاملو از استادان دانشگاه ملی شنیده بود که من دستور کتبی حزب رستاخیز یعنی ورقه عضویت حزب را امضا نکرده‌ام. تلفن زد و گفت: «این امضا یک جوک است، حتماً امضا کن اینها قساوت دارند»، گفتم: «شاملو جان، این امضا بی‌شرفی است جوک نیست». خندید و گفت: «شاید هم تو راست می‌گویی» من جلوی اسسم نوشته بودم «عقیده ندارم» و خبر توسط مسئول دبیرخانه همه جا پیچیده بود و آن دوست مهربان نگران شده بود. متن این گفتگو از این قرار است:

## خاطره طاهره صفارزاده از مخالفتش با حزب رستاخیز

## به شاملو گفتم...



\* در میان شاعران زن، کدام یک بیشتر به تعریفی که شما از شعر مدنظر دارید، نزدیک‌ترند؟

از جهت توجه به مضامین انسانی - اجتماعی و روشنفکری که پالایش اندیشگی را برای خواننده تأمین کرده، خانم پروین اعتصامی مورد احترام من است

در تایید رفتار مغرضانه شاه شجاع نسبت به حافظ، روایت چنین آمده است، گویند: «روزی شاه شجاع با زبان اعتراض خواهی را مخاطب ساخته گفت: «هیچ یک از غزلیات شما از مطلع تا مقطع بر یک منوال واقع نشده، بلکه از هر غزلی سه چهار بیت در تعریف شراب است و دو بیت در تصوف و یک، دو بیت در صفت محبوب و تلون در یک غزل خلاف طریقت‌بلغاست!»

اینکه این سخن از روی غرض بوده، یا ناآگاهی شاه شجاع از خصوصیات غزل، کاری نداریم. روایت این نکته را روشن می‌کند که



مسیری دیگر دنبال شود، با فاصله مشخص شده است.

شک نیست که به قول شاملو کار رونویسی و دوباره‌نویسی ابیات کاری سخت و توانفرسا بوده است و شک نیست که شاملو وقت بر سر این کار گذاشته است، ولی باید دید اولاً انگیزه و بعد نتیجه این کوشش توانفرسا چیست؟ در مقدمه نسخه شاملو و

شاملو هم پرداختن به موضوعات مختلف را عیب کار دانسته و درصدد جبران برآمده غافل از اینکه شرط غزل در تنوع مطالب است. بنابراین جدا کردن موضوعات با نشانه و بی‌نشانه کوششی است در جهت تغییر خصلت غزل و نزدیک کردن هرچند بیت آن به تغزل قصیده. فرق میان غزل با تغزل قصیده آن است که ابیات تغزل باید همه مربوط به یک مطلب باشد، اما در غزل، تنوع مطالب ممکن است، چندان که آن را شرط غزل دانسته‌اند.

\* اگر امروز بخواهید نقدی بر حافظ شاملو بنویسید آیا باز هم، همان نقدها و نقطه‌نظرها را مطرح می‌کنید؟

بله، عیناً چون من دوست شاملو و دوست ادبیات هستم. حتی کلمه‌ای از غرض در کار نبوده. نظرم را با مثال و شواهد تبیین کرده‌ام.

\* عکس‌العمل شاملو پس از چاپ این مقاله انتقادی چه بود؟

قدری رنجید. حتی نزد دوست مشترک‌مان سیمین دانشور گله کرد. سیمین خانم گفته بود «تو در مقدمه به اعتقاد حافظ تاخته‌ای شاید به این دلیل در دفاع از او برآمده». راستش انگیزه آغازین همین بود ولی پس از دقت در کار اشکالات را متنوع یافتم لذا آنها را متذکر شدم گویا در چاپ‌های بعد دست به اصلاحاتی زد.

\* به نظر شما چرا شاملو مقدمه‌ای را که در چاپ نخست روایت خود از حافظ منتشر کرده بود، در چاپ‌های بعد حذف کرد؟

شنیدم برای توجه به همین تذکر در باب شناخت و شخصیت حافظ بوده؛ شاید علت دیگری هم داشته.

\* آیا خاطره خاصی از دیدارهای خود با شاملو دارید که قابل طرح در این مجال باشد؟

دو خاطره دارم: شاملو از استادان دانشگاه ملی شنیده بود که من دستور کتبی حزب رستاخیز یعنی ورقه عضویت حزب را امضا نکرده‌ام. تلفن زد و گفت: «این امضا یک جوک است، حتماً امضا کن اینها قساوت دارند»، گفتم: «شاملو جان، این امضا بی‌شرفی است جوک نیست». خندید و گفت: «شاید هم تو راست می‌گویی» من جلوی اسسم نوشته بودم: «عقیده ندارم» و خبر توسط مسئول دبیرخانه همه جا پیچیده بود آن دوست مهربان نگران شده بود. روحش شاد.

\* خاطره دیگر کدام است؟

یک عصر تابستان شاملو زنگ زد و گفت: «طاهره! من شعری دارم می‌نویسم که جایی گیر کرده‌ام. پاشو آژانس بگیر و بیا و دستگاه نقدت را برای این معضل به راه بینداز». قبول کردم و رفتم شعری از دل‌تنگی‌های زمان در دست نوشتن داشت؛ گفتم: «باز هم که اصل مضمون و سبب هر دو را آورده‌ای» البته این رسم در شعرهای او تکرار شده موضوعی را با الهامی به زبان ساده آغاز می‌کند بعد با سبب‌های پیچیده به تایید و تقویت آن می‌پردازد.

دو سه خط را به پیشنهاد من حذف کرد و خشنود شد. در همین ضمن اسماعیل خویی وارد شد. شاملو گفت من یک گیر در شعرم بود طاهره را صدا کردم، رفع شد. خویی گفت: «شاملو تو داری تواضع می‌کنی» گفت: «نه چرا با خودمان رو راست نیستیم».

من عقیده دارم که طاهره در زمینه شعر امروز هم خوب درس خونده هم تشخیص دارد. بعد هم هر دو صورت شعر را خواند و گفت «بفرمایید اینهم دلیلش». آیدا هم با شام از ما پذیرایی کرد.



**مریم رجبی**

دکتر طاهره صفارزاده شاعر آبان است؛ ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان نگاهش را به روی دنیا باز کرد و ۴ آبان ۱۳۸۸ زندگی را وداع گفت. طاهره در خانواده‌ای سرشناس و اهل فرهنگ و ادب به دنیا آمد، اما تنها ۵ سال داشت که پدر و مادرش را از دست داد. خود او درباره این اتفاق می‌گوید: «پدرم مردی اهل علم و عرفان بود. پنج سال از تولدم نگذشته بود که پدرم، درویش، به دلیل بیماری حصیه و عدم تشخیص صحیح پزشک درگذشت. مرگ او مادرم را بسیار ناراحت کرد. مادرم که رباب نام داشت، زن زیبا و دانایی بود و هنوز چند صبا‌خی از مرگ پدرم نگذشته بود که یکی از مقامات شهر از او خواستگاری کرد. مادر که علاقه زیادی به پدر داشت و ماه‌های آخر بارداری را می‌گذراند، مرگ ناگهانی پدر مصیبت بزرگی را برای او به ارمغان آورد. او در فراق پدر چنان بی‌قرار و ناآرام بود که زودتر از زمان موعود فرزندش را به دنیا آورد و خود به سوی پدر شافت. مراسم هفت مادر در چهلمین روز درگذشت پدر برگزار شد.»

**■ سرودن شعر**

با مرگ پدر و مادر، طاهره و خواهر و برادرانش تحت کفالت مادر بزرگ قرار گرفتند. مادر بزرگی که چشم‌پزشک و شاعر بود و ذوق ادبی خود را به نوه کوچکش هم منتقل کرده بسود. طاهره در کرمان به مدرسه رفت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این شهر سپری کرد. اولین شعری که او گفت در ۱۳ سالگی بود و «بینوا و زمستان» نام داشت. استاد باستانی‌پاریزی که آن زمان دبیرستان بهمین‌یار بود پیشنهاد داد برای این شعر جایزه‌ای به طاهره بدهند و به همین دلیل رییس آموزش و پرورش استان یک جلد دیوان جامی به طاهره اهدا کرد.

**■ جدایی از همسر و از دست دادن فرزند**

طاهره صفارزاده پس از اتمام تحصیلات متوسطه در آزمون ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد، اما چون میان این رشته‌ها تردید داشت، استخاره کرد. نتیجه استخاره، انتخاب رشته زبان و ادبیات انگلیسی بود. در دانشگاه شیراز بود. صفارزاده سال ۱۳۳۷ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و در همان سال با دکتر محمدرضا جبارپور از دوستان برادرش ازدواج کرد، اما مدت کوتاهی بعد، زمانی که باردار بود، متوجه اعتیاد همسرش شد. تا این‌که پس از تولد علیرضا درخواست طلاق داد و به همراه پسر یک ساله‌اش به تهران آمد. صفارزاده درباره ازداده زندگیش می‌گوید: «... در

همان زمان بورسیه‌ای سه ماهه برای گذراندن دوره‌ای در انگلستان دادند. در ابتدا ترک فرزندم برابم سخت بود. در آن دوران بعد از اتمام کار، تمام وقتم را با پسریم می‌گذراندیم. وقتی بورسیه انگلستان تخصیص یافت، بسیاری از همکاران از انتخاب من تعجب کردند و برخی خوش‌سجّال بودند، اما نگرانی دوری از فرزندم مانع رفتنم بود. خواهرم که پسرم را مثل خود من در دامانش پرورش می‌داد، به من اطمینان داد که سه ماه زمان کوتاهی است و زود سپری می‌شود و گذراندن این دوره امکانات بیشتری را برای کودک به ارمغان می‌آورد و شرایط کاری بهتری مهیا می‌شود و در نتیجه زندگی راحت‌تر برای علیرضا فراهم می‌شود. بنابراین فرزندم را به خواهرم سپردم و مأموریت انگلستان را پذیرفتم. فراق و دوری از پسریم برابم بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. روزها مشغول بودم، اما به محض بازگشت به محل اقامتم، دوری از او بی‌قرارم می‌کرد.

هنوز یک ماه از اقامتم نگذشته بود که یک روز جلال تلگرافی برابم فرستاد؛ نوشته بود باید هر چه سریع‌تر به ایران بازگردم. من بی‌خبر از همه‌جا، با ترس و نگرانی بازگشتم. خواهرم مرا در آغوش کشید، برادرهایم بهت‌زده به من زل زده بودند، بالاخره جلال شرح واقعه را بیان کرد و گفت علیرضا هنگام بازی با پسرخواهرم زمین می‌خورد و دست و پایش زخمی می‌شود؛ و او برای مراقبت بیشتر علیرضا را به درمانگاه می‌برد تا به او واکسن کزاز بزنند، اما با تزریق واکسن دچار خفگی می‌شود و در همان لحظه از دنیا می‌رود. صفارزاده پس از درگذشت فرزندش برای ادامه تحصیل به انگلیس و سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه آیووا به تحصیل پرداخت. او در این دانشگاه در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته‌شد و درجه MFA (مخفف Master of Fine Arts به معنای استاد هنرهای زیبا) را به دست آورد. صفارزاده دروس «شعر امروز جهان»، «نقد ادبی»، «نقد علمی ترجمه» و «سینمای مستند» را به عنوان دروس اصلی انتخاب کرد. سینما را نیز به عنوان هنر دوم برگزید و دو فیلم کوتاه ساخت.

طاهره صفارزاده در این دوره، یعنی در سال ۱۹۶۸ کتاب چتر سرسرخ را که شامل شعرهای انگلیسی‌اش بود، به چاپ رساند. بسیاری از شعرهای این کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه شدند و برخی از شعرهای او نیز در برخی کشورها به عنوان واحد درسی تدریس می‌شوند. حتی برخی از موسیقی‌دانان آلمانی و آمریکایی از جمله یواخیم. ف. و اشنایدر و دیوید فدرولف نیز شعرهای صفارزاده را دست‌مایه خلق آثار موسیقایی خود قرار دادند.

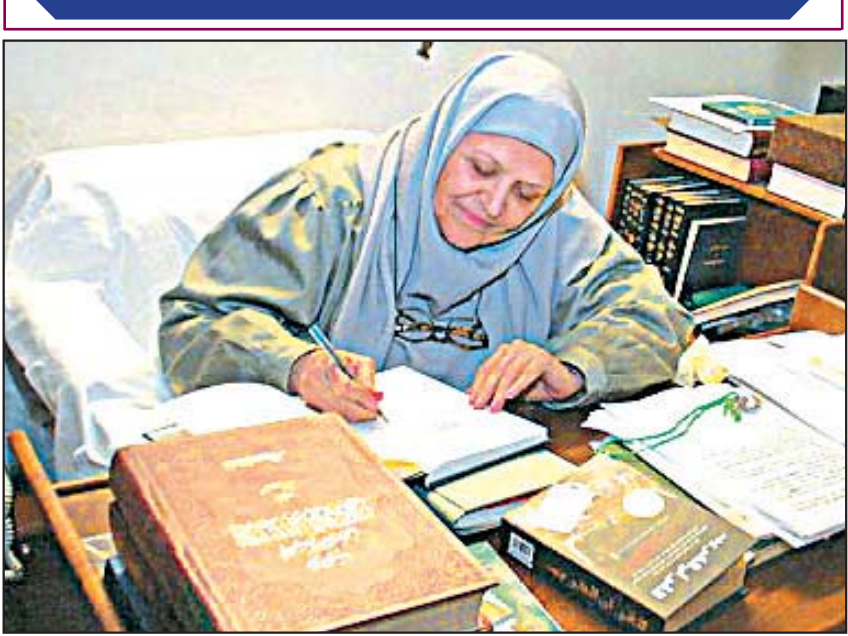
صفارزاده پس از اتمام تحصیلاتش در آمریکا به

#### ■ ارائه اصول علمی ترجمه

دکتر صفارزاده تئوری‌های مهمی در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و ترجمه تخصصی ارائه کرده است. تئوری ترجمه تخصصی او که تأثیر آموختن رشته‌های مختلف علمی به سبب تمرکز ذهن بر روی واژگان

### با یاد زنده یاد طاهره صفارزاده؛

## شاعر آبان



تخصصی را نشان می‌دهد، به تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است. در فستیوال شعر آسیایی داکا در سال ۱۳۶۵ صفارزاده به عنوان یکی از ۵ عضو بنیان‌گذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد. رییس فستیوال درباره دبیران را به اجرا درآورد. در سال ۵۹ برخی گروه‌ها این انتخاب گفت: «ما معتقدیم که یک نفر در این سر دینا از علم ترجمه حرف زده و اصولی عرضه کرده و آن یک نفر، خانم طاهره صفارزاده است».

#### ■ خادم‌القرآن

صفارزاده اما تنها در حوزه ترجمه زبان انگلیسی فعالیت نداشت. یکی از فعالیت‌های مهم صفارزاده در زمینه ترجمه قرآن است که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرد و نتیجه آن ترجمه قرآن به نام «قرآن حکیم» بود. او در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی؛

یعنی عدم ایجاد ارتباط نام‌های خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن دست یافته است.

به پیش‌سنهاده صفارزاده درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه درسی گنج‌خانه شد که تدریس این واحد درسی موجب توجه او به

سازمان آمده است: «از آن‌جاکه دکتر طاهره صفارزاده – شاعر و نویسنده برجسته ایرانی – مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوشش‌های علمی گسترده به‌عنوان شخصیت برگزیده سال جاری انتخاب کرده است».

#### ■ آتشگاه احساس

صفارزاده در سال ۱۳۵۸ مجلداً ازدواج کرد. همسر دوم او دکتر عبدالوهاب نورانی‌وصال؛ شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه بود که ۲۵ سال قبل از این هم از صفارزاده خواستگاری کرده بود، اما طاهره به دلیل این‌که پسر از طبقه اشراف بود و او میانه خوبی با اشرافیت نداشت، به او جواب منفی داده بود. صفارزاده در پاسخ به خواستگاری وصال این شعر را سروده بود:

من آتش‌گاه احساسم  
تو را ی توده برف...  
بانگ آرامی نمی‌گیرم  
چه می‌ترسم که خاموشم کنی  
از یاد انسان‌ها  
من آن انسان تنهاییم که می‌فهمم  
غم و حرمان «تنها» را  
سکوت صبرداران و خروش خشم‌داران را  
ولی هرگز تسو را یی کودک نادان شُادی‌ها نمی‌فهمم

تو همرنگ من... آزاده هرگز نیستی‌ای مرد  
روان شو شیو آن قومی  
که سنگین‌انداز سنگ جوهرها  
که رنگین‌اند از رنگ دورویی‌ها  
که خاموش‌اند از غوغای انسان‌ها  
برو کورانه دست همسری برگیر  
تا پا جای کهنه اجداد بگذاری

۲۵ سال بعد طاهره با دکتر وصال که پس از پاسخ رد او مجرد مانده بود، ازدواج کرد و مدتی به باغ ۱۰ هزار متری شوهرش در قصرالدشت شیراز رفت، اما ثروت سرشار همسرش و وسایل عتیقه خانه او برایش جذابیتی نداشت؛ طوری‌که یک روز از مستخدم خانه عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به قرآن برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان یافت. همین فعالیت‌ها بود که باعث شد صفارزاده در سال ۱۳۸۰ لقب «خادم‌القرآن» را دریافت کند.

#### ■ شاعر مبارز و دانشمند مسلمان

دکتر طاهره صفارزاده در ماه مارس ۲۰۰۶ هم‌زمان

با برپایی جشنن روز جهانی زن، از سوی سازمان نويسندگان آفريقا و آسيا به‌عنوان شاعر مبارز و زن نجبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. در بخشی از نامه این

انتقاد می‌کند، آن‌جاکه می‌گوید:  
هر شب زن به جنگ آینه برمی‌خیزد  
باتکه‌سنگ‌های جوهر

اما صداقت آینه

حرف شکست را در نورهای اشک فریاد می‌کند  
صفارزاده بیشتر با شعر «کودک قرن» در میان جامعه ادبی ایران شش‌ناخته شد. شعری که در آن به زندگی زنان مدرن و وضعیت بچه‌های این زنان اشاره شده بود. این شعر ممنوع‌الانتشار اعلام شد چون آن را توهینی به زنان اشراف می‌دانست. در بخشی از شعر کودک قرن آمده است:  
کودک این قرن هر شب در حصار خانه‌ای

تنه‌است  
پر نیاز از خواب، اما وحشتش از بستر آینده و فرداست

شب چو خواب آید درون دیده او  
پرسد از خود «باز امشب مادرم کو؟»  
بانگ آرامی بر آید؛ چشم بر هم نه که امشب مادرت

اینجاست  
پشت یک میز، زیر پای دودهای تلخ سربی رنگ  
در میان شعله‌های خدعه و زینک  
چهره‌اش لبریز از زنگار فکر برد  
فکر باخت، فکر پوچ، فکر هیچ، مانده در بن بست راهی تنگ...

از هیاهوی شبان‌کام، آخرین دست، آخرین رقص،  
آخرین جام، آخرین دعس‌وای تنگ و نام‌کی، رود در خواب راحت کودک این قرن نافرجام؟

#### ■ عشق در شعر بانو

صفارزاده شاعری نیست که مانند بسیاری از شاعرها به شعر عاشقانه شناخته شود و اساساً عشق در آثار او چندان پررنگ نیست، اما جایی هم که حاضر می‌شود عمیق و محسوس جلوه می‌کند. مثلاً در شعری می‌گوید:

با هم از میان خمیازه ممتد روزهای مدرسه قدم زده بودیم  
نام‌هایمان را بر روی چنار مسجد محله کنده بودیم

باهم سرودملی را خوانده بودیم، بی‌آن‌که معنی‌اش را بدانیم  
پدرانمان هر روز به یک‌دیگر سلام می‌گفتند  
و من به مادرش که می‌توانست اشیاء اتاق او را گردگیری کند

و به لباس‌هایش دست بزن‌د، رشک می‌بردم

او چیز دیگری بود...

یا در شعر دیگری عشق را به صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی می‌آورد:

## فرهنگی

قلیم را همراه با شبنامه‌ای به جوانی دوجر خم‌سوار دادم  
ارتعاش انگشتانم  
تا دو کوچه دورتر

در جیب‌های آرم‌کم (ماتوری مدرسه) ادامه داشت  
طاهره صفارزاده در اشعار خود به «زن‌بودن» اشاره دارد و بازتاب دیدگاه‌های جامعه را نسبت به زنان می‌توانیم در شعر او جستجو کنیم. برای نمونه، در یکی از اشعار به تولد خودش اشاره می‌کند و می‌نویسد:  
من زادگاهم را ندیدام

جایی که مادرم بار سنگین بطنش را در زیر سقفی فرونهاد  
هنوز زنده است نخستین تیک‌تاک‌های قلب کوچکم، در سوراخ بخاری و درز آجرهای کهنه  
و پیداست جای نگاهی شرمسار بر در و دیوار

اتاق

نگاه مادرم به پدرم، به پدربزرگم  
صدای خفیفی گفت: دختر است!...

#### ■ عدالت خواهی

در اشعار صفارزاده دغدغه‌های عدالت‌خواهی و انقلابی‌گری موج می‌زند و به خصوص در دهه ۵۰ این مضامین در اشعار او اوج می‌گیرد. صفارزاده در جایی می‌گوید:

هنوز باغ کودکی/ وقتی که باد می‌آمد/ و سبیب می‌افتاد/ داور همیشه دانه اول را/ به خواهر کوچک‌تر می‌داد/ نبض مرا بگیر همه‌هم بودن دارد/ و اشتیاق عدالت/ تاریخ انفجار عدالت را/ تاریخ هم به یاد ندارد

صفارزاده در شعر دیگری مضمون عدالت‌خواهی را با اعتقاد شیعی انتظار پیوند می‌زند و می‌نویسد:

همیشه منتظرت هستم/ بی آن‌که در رکود نشتن باشم/ همیشه منتظرت هستم/ چونان که من/ همیشه در حرکت هستم/ همیشه در مقابله/ تو مثل ماه/ ستاره/ خورشید همیشه هستی/ و می‌درخشی از بدر/ و می‌رسی از کعبه/ و کوفه همین تهران است/ که بار اول می‌آیی/ و ذوالفقار را باز می‌کنی/ و ظلم را می‌بندی/ همیشه منتظرت هستم‌ای عدل وعده‌داده‌شده

#### ■ ارتحال

طاهره صفارزاده در مهرماه سال ۱۳۸۷ به علت ضایعه مغزی در بیمارستان ایران‌مهر تهران بستری شد و در چهارم آبان همان سال در سن ۷۲ سالگی از دنیا بدرود گفت. پیکر او در امام‌زاده صالح تهران به خاک سپرده شد.

#### منبع

- کتاب نبض را بگیر، همه‌هم بودن دارد (در شرح زندگی و آثار طاهره صفارزاده)، منیژه آرمین، فاطمه ابراهیمی، انتشارات سوره‌مهر.

### به روایت تصویر



▲ در جمع اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی – در زمان عضویت



▲ در کنار استاد دانش پژوه و دکتر مهدی محقق



▲ حاجت الاسلام محمد جواد جنتی کرمانی در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده

▲ محمد رضا عارف در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده



▲ مراسم ختم در مسجد دانشگاه

▲ د کتر علی‌اکبر ولایتی در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده





**م‌ریم رجبی**

دکتر طاهره صفارزاده شاعر آبان است؛ ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان نگاهش را به روی دنیا باز کرد و ۴ آبان ۱۳۸۸ زندگی را وداع گفت. طاهره در خانواده‌ای سرشناس و اهل فرهنگ و ادب به دنیا آمد، اما تنها ۵ سال داشت که پدر و مادرش را از دست داد. خود او درباره این اتفاق می‌گوید: «پدرم مردی اهل علم و عرفان بود. پنج سال از تولدم نگذشته بود که پدرم، درویش، به دلیل بیماری حصیه و عدم تشخیص صحیح پزشک درگذشت. مرگ او مادرم را بسیار ناراحت کرد. مادرم که رباب نام داشت، زن زیبا و دانایی بود و هنوز چند صبا‌خی از مرگ پدرم نگذشته بود که یکی از مقامات شهر از او خواستگاری کرد. مادر که علاقه زیادی به پدر داشت و ماه‌های آخر بارداری را می‌گذراند، مرگ ناگهانی پدر مصیبت بزرگی را برای او به ارمغان آورد. او در فراق پدر چنان بی‌قرار و ناآرام بود که زودتر از زمان موعود فرزندش را به دنیا آورد و خود به سوی پدر شافت. مراسم هفت مادر در چهلمین روز درگذشت پدر برگزار شد.»

##### ■ سرودن شعر

با مرگ پدر و مادر، طاهره و خواهر و برادرانش تحت کفالت مادر بزرگ قرار گرفتند. مادر بزرگی که چشم‌پزشک و شاعر بود و ذوق ادبی خود را به نوه کوچکش هم منتقل کرده بسود. طاهره در کرمان به مدرسه رفت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این شهر سپری کرد. اولین شعری که او گفت در ۱۳ سالگی بود و «بینوا و زمستان» نام داشت. استاد باستانی‌پاریزی که آن زمان دبیرستان بهمین‌یار بود پیشنهاد داد برای این شعر جایزه‌ای به طاهره بدهند و به همین دلیل رییس آموزش و پرورش استان یک جلد دیوان جامی به طاهره اهدا کرد.

##### ■ جدایی از همسر و از دست دادن فرزند

طاهره صفارزاده پس از اتمام تحصیلات متوسطه در آزمون ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد، اما چون میان این رشته‌ها تردید داشت، استخاره کرد. نتیجه استخاره، انتخاب رشته زبان و ادبیات انگلیسی بود. در دانشگاه شیراز بود. صفارزاده سال ۱۳۳۷ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و در همان سال با دکتر محمدرضا جبارپور از دوستان برادرش ازدواج کرد، اما مدت کوتاهی بعد، زمانی که باردار بود، متوجه اعتیاد همسرش شد. تا این‌که پس از تولد علیرضا درخواست طلاق داد و به همراه پسر یک ساله‌اش به تهران آمد. صفارزاده درباره ادامه زندگیش می‌گوید: «... در

همان زمان بورسیه‌ای سه ماهه برای گذراندن دوره‌ای در انگلستان دادند. در ابتدا ترک فرزندم برایم سخت بود. در آن دوران بعد از اتمام کار، تمام وقتم را با پسریم می‌گذراندیم. وقتی بورسیه انگلستان تخصیص یافت، بسیاری از همکاران از انتخاب من تعجب کردند و برخی خوش‌سجّال بودند، اما نگرانی دوری از فرزندم مانع رفتنم بود. خواهرم که پسرم را مثل خود من در دامانش پرورش می‌داد، به من اطمینان داد که سه ماه زمان کوتاهی است و زود سپری می‌شود و گذراندن این دوره امکانات بیشتری را برای کودک به ارمغان می‌آورد و شرایط کاری بهتری مهیا می‌شود و در نتیجه زندگی راحت‌تر برای علیرضا فراهم می‌شود. بنابراین فرزندم را به خواهرم سپردم و مأموریت انگلستان را پذیرفتم. فراق و دوری از پسریم برایم بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. روزها مشغول بودم، اما به محض بازگشت به محل اقامتم، دوری از او بی‌قرارم می‌کرد.

هنوز یک ماه از اقامتم نگذشته بود که یک روز جلال تلگرافی برایم فرستاد؛ نوشته بود باید هر چه سریع‌تر به ایران بازگردم. من بی‌خبر از همه‌جا، با ترس و نگرانی بازگشتم. خواهرم مرا در آغوش کشید،

برادرهایم بهت‌زده به من زل زده بودند، بالاخره جلال شرح واقعه را بیان کرد و گفت علیرضا هنگام بازی با پسرخواهرم زمین می‌خورد و دست و پایش زخمی می‌شود؛ و او برای مراقبت بیشتر علیرضا را به درمانگاه می‌برد تا به او واکسن کزاز بزنند، اما با تزریق واکسن دچار خفگی می‌شود و در همان لحظه از دنیا می‌رود». صفارزاده پس از درگذشت فرزندش برای ادامه تحصیل به انگلیس و سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه آیووا به تحصیل پرداخت. او در این دانشگاه در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته‌شد و درجه MFA (مخفف Master of Fine Arts به معنای استاد هنرهای زیبا) را به دست آورد. صفارزاده دروس «شعر امروز جهان»، «نقد ادبی»، «نقد علمی ترجمه» و «سینمای مستند» را به عنوان دروس اصلی انتخاب کرد. سینما را نیز به عنوان هنر دوم برگزید و دو فیلم کوتاه ساخت.

طاهره صفارزاده در این دوره، یعنی در سال ۱۹۶۸ کتاب چتر سرخ را که شامل شعرهای انگلیسی‌اش بود، به چاپ رساند. بسیاری از شعرهای این کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه شدند و برخی از شعرهای او نیز در برخی کشورها به عنوان واحد درسی تدریس می‌شوند. حتی برخی از موسیقی‌دانان آلمانی و آمریکایی از جمله یواخیم. ف. و اشنایدر و دیوید فدرولف نیز شعرهای صفارزاده را دست‌مایه خلق آثار موسیقایی خود قرار دادند.

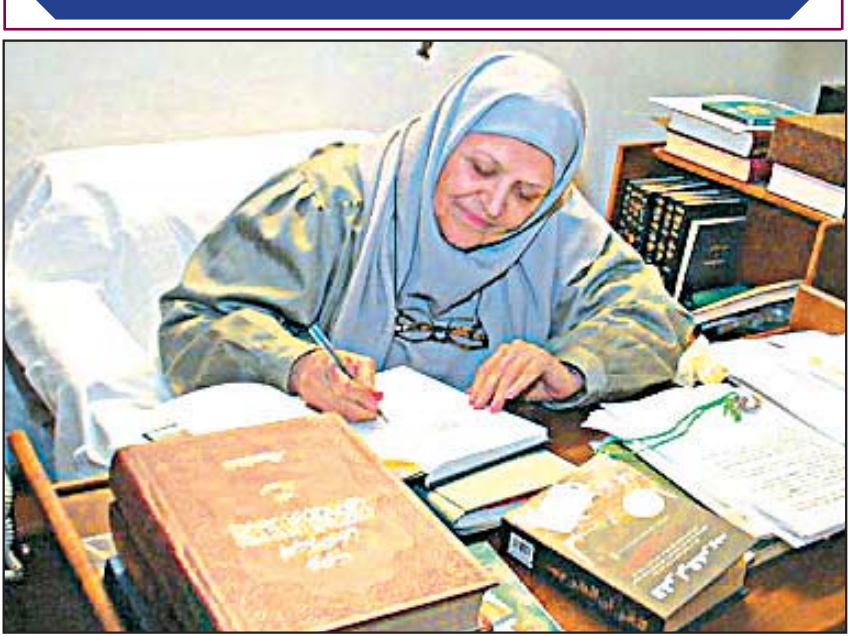
صفارزاده پس از اتمام تحصیلاتش در آمریکا به

##### ■ ارائه اصول علمی ترجمه

دکتر صفارزاده تئوری‌های مهمی در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و ترجمه تخصصی ارائه کرده است. تئوری ترجمه تخصصی او که تأثیر آموختن رشته‌های مختلف علمی به سبب تمرکز ذهن بر روی واژگان

### با یاد زنده یاد طاهره صفارزاده؛

## شاعر آبان



تخصصی را نشان می‌دهد، به تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است. در فستیوال شعر آسیایی داکا در سال ۱۳۶۵ صفارزاده به عنوان یکی از ۵ عضو بنیان‌گذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد. رییس فستیوال درباره دبیران را به اجرا درآورد. در سال ۵۹ برخی گروه‌ها این انتخاب گفت: «ما معتقدیم که یک نفر در این سر دینا از علم ترجمه حرف زده و اصولی عرضه کرده و آن یک نفر، خانم طاهره صفارزاده است».

##### ■ خادم‌القرآن

صفارزاده اما تنها در حوزه ترجمه زبان انگلیسی فعالیت نداشت. یکی از فعالیت‌های مهم صفارزاده در زمینه ترجمه قرآن است که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرد و نتیجه آن ترجمه قرآن به نام «قرآن حکیم» بود. او در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی؛

یعنی عدم ایجاد ارتباط نام‌های خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن دست یافته است.

به پیش‌سنهاده صفارزاده درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه درسی گنج‌خانه شد که تدریس این واحد درسی موجب توجه او به

سازمان آمده است: «از آن‌جاکه دکتر طاهره صفارزاده – شاعر و نویسنده برجسته ایرانی – مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوشش‌های علمی گسترده به‌عنوان شخصیت برگزیده سال جاری انتخاب کرده است».

##### ■ آتشگاه احساس

صفارزاده در سال ۱۳۵۸ مجلداً ازدواج کرد. همسر دوم او دکتر عبدالوهاب نورانی‌وصال؛ شاعر، نویسنده و استاد دانشگاه بود که ۲۵ سال قبل از این هم از صفارزاده خواستگاری کرده بود، اما طاهره به دلیل این‌که پسر از طبقه اشراف بود و او میانه خوبی با اشرافیت نداشت، به او جواب منفی داده بود. صفارزاده در پاسخ به خواستگاری وصال این شعر را سروده بود:

من آتش‌گاه احساسم

تو را ی توده برف...

بانگ آرامی بگیرم

چه می‌ترسم که خاموشم کنی

از یاد انسان‌ها

من آن انسان تنهاییم که می‌فهمم

غم و حرمان «تنها» را

سکوت صبرداران و خروش خشم‌داران را

ولی هرگز تسو را ی کودک نادان شُادی‌ها

نمی‌فهمم

تو همرنگ من... آزاده هرگز نیستی‌ای مرد

روان شو سُو آن قومی

که سنگین‌انداز سنگ جوهر‌ها

که رنگین‌اند از رنگ دورویی‌ها

که خاموش‌اند از غوغای انسان‌ها

برو کورانه دست همسری برگیر

تا پا جای کهنه اجداد بگذاری

۲۵ سال بعد طاهره با دکتر وصال که پس از پاسخ رد او مجرد مانده بود، ازدواج کرد و مدتی به باغ ۱۰ هزار متری شوهرش در قصرالدشت شیراز رفت، اما ثروت سرشار همسرش و وسایل عتیقه خانه او برایش جذابیّت نداشت. طوری‌که یک روز از مستخدم خانه عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به قرآن برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان یافت. همین فعالیت‌ها بود که باعث شد صفارزاده در سال ۱۳۸۰ لقب «خادم‌القرآن» را دریافت کند.

##### ■ شاعر مبارز و دانشمند مسلمان

دکتر طاهره صفارزاده در ماه مارس ۲۰۰۶ هم‌زمان

با برپایی جشنن روز جهانی زن، از سوی سازمان

نویسندگان آفریقا و آسیا به‌عنوان شاعر مبارز و زن نجبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. در بخشی از نامه این

انتقاد می‌کند، آن‌جاکه می‌گوید:

هر شب زن به جنگ آینه برمی‌خیزد

باتکه‌سنگ‌های جوهر

اما صداقت آینه

حرف شکست را در نورهای اشک فریاد می‌کند

صفارزاده بیشتر با شعر «کودک قرن» در میان جامعه

ادبی ایران شش‌ناخته شد. شعری که در آن به زندگی زنان

مادرن و وضعیت بچه‌های این زنان اشاره شده بود. این شعر

ممنوع‌الانتشار اعلام شد چون آن را توهینی به زنان اشراف

می‌دانست. در بخشی از شعر کودک قرن آمده است:

کودک این قرن هر شب در حصار خانه‌ای

تنه‌است

پر نیاز از خواب، اما وحشتش از بستر آینده و

فرداست

شب چو خواب آید درون دیده او

پرسد از خود «باز امشب مادرم کو؟»

بانگ آرامی بر آید؛ چشم بر هم نه که امشب مادرت

اینجاست

پشت یک میز، زیر پای دودهای تلخ سربی رنگ

در میان شعله‌های خدعه و زین‌نگ

چهره‌اش لبریز از زنگار فکر برد

فکر باخت، فکر پوچ، فکر هیچ، مانده در بن بست

راهی تنگ...

از هیاهوی شبان‌کام، آخرین دست، آخرین رقص،

آخرین جام، آخرین دعس‌وای تنگ و نام‌کی، رود در

خواب راحت کودک این قرن نافرجام؟

##### ■ عشق در شعر بانو

صفارزاده شاعری نیست که مانند بسیاری از

شاعر‌ها به شعر عاشقانه شناخته شود و اساساً عشق در

آثار او چندان پررنگ نیست، اما جایی هم که حاضر

می‌شود عمیق و محسوس جلوه می‌کند. مثلاً در شعری

می‌گوید:

با هم از میان خمیازه ممتد روزهای مدرسه قدم

زده بودیم

نام‌هایمان را بر روی چنار مسجد محله کنده

بودیم

باهم سرودملی را خوانده بودیم، بی‌آن‌که معنی‌اش

را بدانیم

پدرانمان هر روز به یک‌دیگر سلام می‌گفتند

و من به مادرش که می‌توانست اشیاء اتاق او را

گردگیری کند

و به لباس‌هایش دست بزنَد، رشک می‌بردم

او چیز دیگری بود...

یا در شعر دیگری عشق را به صحنه مبارزات

سیاسی و اجتماعی می‌آورد:

قلیم را همراه با شبنامه‌ای به جوانی دوجر خم‌سوار دادم

ارتعاش انگشتانم

تا دو کوچه دورتر

در جیب‌های ارمکم (ماتوری مدرسه) ادامه داشت

طاهره صفارزاده در اشعار خود به «زن‌بودن» اشاره

دارد و با زتاب دیدگاه‌های جامعه را نسبت به زنان

می‌توانیم در شعر او جستجو کنیم. برای نمونه، در یکی

از اشعار به تولد خودش اشاره می‌کند و می‌نویسد:

من زادگاهم را ندیدام

جایی که مادرم بار سنگین بطنش را در زیر سقفی

فرو نهاد

هنوز زنده است نخستین تیک‌تاک‌های قلب

کوچکم، در سوراخ بخاری و درز آجرهای کهنه

و پیداست جای نگاهی شرمسار بر در و دیوار

اتاق

نگاه مادرم به پدرم، به پدر بزرگم

صدای خفیفی گفت: دختر است!...

##### ■ عدالت خواهی

در اشعار صفارزاده دغدغه‌های عدالت‌خواهی و

انقلابی‌گری موج می‌زند و به خصوص در دهه ۵۰ این

مضامین در اشعار او اوج می‌گیرد. صفارزاده در جایی

می‌گوید:

هنوز باغ کودکی/ وقتی که باد می‌آمد/ و سبب

می‌افتاد/ داور همیشه دانه اول را/ به خواهر کوچک‌تر

می‌داد/ نبض مرا بگیر همه‌هم بودن دارد/ و اشتیاق

عدالت/ تاریخ انفجار عدالت را/ تاریخ هم به یاد ندارد

صفارزاده در شعر دیگری مضمون عدالت‌خواهی

را با اعتقاد شیعی انتظار پیوند می‌زند و می‌نویسد:

همیشه منتظرت هستم/ بی آنکه در رکود نشتن

باشم/ همیشه منتظرت هستم/ چونان که من/ همیشه

در حرکت هستم/ همیشه در مقابله/ تو مثل ماه/ ستاره/

خورشید همیشه هستی/ و می‌درخشی از بدر/ و

می‌رسی از کعبه/ و کوفه همین تهران است /که بار اول

می‌آیی/ و ذوالفقار را باز می‌کنی/ و ظلم را می‌بندی/

همیشه منتظرت هستم‌ای عدل وعده‌داده‌شده

##### ■ ارتحال

طاهره صفارزاده در مهرماه سال ۱۳۸۷ به علت

ضایعه مغزی در بیمارستان ایران‌مهر تهران بستری شد

و در چهارم آبان همان سال در سن ۷۲ سالگی از دنیا

بدرود گفت. پیکر او در امام‌زاده صالح تهران به خاک

سپرده شد.

**منبع**

۱. کتاب نبض را بگیر، همه‌هم بودن دارد (در

شرح زندگی و آثار طاهره صفارزاده)، منیژه آرمین، فاطمه

ابراهیمی، انتشارات سوره‌مهر.

### به روایت تصویر



▲ در جمع اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی – در زمان عضویت



▲ در کنار استاد دانش پژوه و دکتر مهدی محقق



▲ حجت الاسلام محمد جواد جنتی کرمانی در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده



▲ محمد رضا عارف در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده



▲ مراسم ختم در مسجد دانشگاه



▲ د کتر علی‌اکبر ولایتی در حال امضای دفتر یادبود مرحومه صفارزاده





## بابک راخواه

کمتر کسی است که با شعر معاصر مانوس باشد و نام صفارزاده را نشنیده باشد و یا در وادی قرآن تتبع کرده باشد و صفارزاده را نشناسد. چهارم آبان ماه، سالروز بزرگداشت بانویی است که هم شعر را خوب می فهمید و هم قرآن را.

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط که پیشینه‌ای عرفانی داشتند، متولد شد.

وی در شش سالگی تجوید و قرائت و حفظ قرآن را در مکتب محل آموخت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که نقش روزنامه دیواری مدرسه شد. اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

نزد ملت ایران شهرت طاهره صفارزاده با شعر «کودک قرن» پدید آمد. در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی، و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده‌اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت.

مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیوا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه mfa نایل آمد. mfa درجه‌ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به‌صورت تئوری و عملی و انجام پروژه‌های ادبی متنوع مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری انجام می‌پذیرد.

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی شعر امروز جهان، نقد ادبی و نقد عملی ترجمه را انتخاب کرد و در مراجعت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه‌اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته‌های زبان خارجی باعث گله‌مندی گروه‌های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی)

موافقت شد.

طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود.

صفارزاده حدود سه سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست

الگو قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه‌ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه» مفید افتاد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک

## مرویی بر زندگی و آثار قرآنی مرحومه طاهره صفارزاده

# حیات قرآنی شاعر



جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث‌برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت‌پسند نبود. سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه‌نشینی و فراغت اجباری رفت. و در ایام تهایی و مشاهده پاره‌ای خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، درون‌مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند شد و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه‌نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن

یافت. در کلاس به سبب تنوع زبان‌های خارجی در بین شرکت کنندگان، بررسی متون ترجمه شده، در سطح صحت و بلاغت زبان انگلیسی، فارغ از مقایسه با متن اصلی از سوی استاد انگلیسی زبان انجام می‌شد که در عین حال امری اجتناب‌ناپذیر بود. اما صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه‌ی تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی

تفسیر و مطالعات قرآنی کرد. کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان ۳۰ هزار رسید.

در آغاز نهضت اسلامی، به کمک نویسندگان سرشناس و متعهد مسلمان به تأسیس مرکزی به نام کانون فرهنگی نهضت اسلامی اقدام کرد. در مدت مسئولیت او حدود ۳۰۰ هنرجو در رشته‌های سینما، عکاسی، تئاتر، نقاشی، گرافیک، شعر و داستان، در آن مرکز پرورش یافتند که بعداً از دست‌اندرکاران و مسئولان فرهنگی و هنری انقلاب شدند.

طاهره صفارزاده پس از انقلاب از سوی همکاران خود در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان رئیس دانشگاه و نیز رئیس دانشکده ادبیات انتخاب شد. همزمان با سرپرستی دانشکده ادبیات طرح بازآموزی دبیران را به اجرا درآورد. در سال ۵۹ پیرو نشر مقالات انتقادی او درباره آموزش زبان‌های خارجی در ایران از سوی ستاد انقلاب فرهنگی برای مسئولیت برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی از وی دعوت شد.

در این مسئولیت با همکاری استادان باتجربه تغییرات مفیدی در برنامه‌ها پدید آورد و پیروی طرحی که از سوی او تقدیم ستاد انقلاب فرهنگی شد و به تصویب رسید برای نخستین بار برای کلیه رشته‌های علمی دانشگاه‌ها کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی تألیف شد که این امر در آموزش علوم و پژوهش‌های علمی در سال‌های بعد از انقلاب بسیار مؤثر بوده است.

وی حدود ۱۶ سال سرپرست اجرایی طرح بود و ۱۲ سال از آن مدت را به‌ویژه علاوه بر سرپرستی به ویراستاری متون علمی برای کتاب‌های زبان تخصصی مشهور به کتاب‌های «سمت» فعالیت مؤثر داشت. ۳۶ عنوان از آن کتاب‌ها برخوردار از ویراستاری طاهره صفارزاده است.

خانه‌نشینی سوم در پایان این خدمت، به پرداختن تمام‌وقت به ترجمه قرآن حکیم به زبان‌های فارسی و انگلیسی انجامید.

صفارزاده تئوری‌ها و فکرهای ارزنده‌ای در زمینه نقد ادبی، نقد ترجمه و «ترجمه تخصصی» به جامعه ادبی و علمی عرضه کرده است. تئوری «ترجمه تخصصی» که تأثیر آن توفیق در آموختن رشته‌های مختلف علمی به سبب تمرکز ذهن بر روی واژگان تخصصی است، به تأیید متخصصان مغز و اعصاب رسیده است. تمرین‌های «معادلایی و واژگان تخصصی» جهت تأمین هدف آموزشی ذکر شده، از سوی مؤلفان در کلیه کتاب‌های زبان تخصصی گنجانده شده است. در «فستیوال بین‌المللی داکا» در سال ۶۷ وی به عنوان یکی از ۵ عضو بین‌المللی کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد.

ادامه در صفحه ۷

## خاطره علی محمد مودب از طاهره صفارزاده

## نوآوری و آن فلاپی صورتی



تهران با وجود صفارزاده برای ما بچه‌های شعر انقلاب بوی مادر داشت و حالا غربتی دارد؛ مخصوصاً اینکه آدم این همه راه را می‌کوبد و در ترافیک تهران خودش را به امامزاده صالح می‌رساند تا برای خانم صفارزاده فاتحه‌ای بخواند و با در بسته مقبره مواجه می‌شود.

شب‌ی که اولین جشنواره شعر فجر برگزار شد، من دنبالشان به منزلشان در همان حوالی تجریش رفتم و ایشان را به جشنواره آوردم. قرار بود به استاد جایزه‌ای بدهند که در راه می‌گفتند جایزه‌ام را به تو بدهم و بعد به پیشنهاد آقای قزو و من، به سلمان هراتی دادند. خب خانم دکتر را بردند به ردیف اول و من از او در آن شلوغی‌ها دور شدم. وقتی جشنواره تمام شد، همه رفته بودند. در تارک و روشن کنار خیابان با استاد صفارزاده مواجه شدم که تا مرا دیدند، گفتند: «مودب کجایی؟ من می‌ترسم» آخر شب بود و ماشین گیر نمی‌آمد. بالاخره ماشین پیکان خیلی

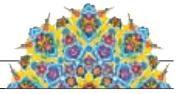
درب‌وداغانی را اجاره کردم تا ایشان را به مقصد برسنام و کمی جلوتر با جناب میراحمد میراحسان، روبه‌رو شدیم و او را هم سوار کردیم. بلافاصله در همان تاکسی کهنه بحث شد از نوآوری و یاد از غزلی شد که همان شب خوانده شده بود. خانم صفارزاده به شوخی گفتند: این کی بود شعر خواند؟ غزلش بوی شتر می‌داد!

طاهره صفارزاده جزو پیشروان شعر نوگرای انقلاب اسلامی است و بسیار برای نوگرایی در شعر امروز نگران بود. یکبار خاطرم هست که فلاپی صورتی‌رنگ و قشنگی به من دادند و تاکید می‌کردند که این‌ها حرف‌های من درباره نظریه شعر است و تاکید داشتند که من آن حرف‌ها را به بچه‌های شعر امروز بگویم...

به‌خاطر همین تاکیدهای خانم صفارزاده من در بزرگداشت آن مرحوم به نظر آمد که از نوگرایی و ضرورت آن و جای خالی آن بگویم. متأسفانه نوگرایی شعر امروز شایسته شعر زمان ما نیست و نباید به این سطح راضی شویم و باید در پی ارتقای دستگاه زیبایی‌شناسی شعر باشیم. نسبت شعر باید با زمانه و روز و زیبایی‌شناسی روز جهان ملام نو شود و برخی حرکت‌های ارتجاعی ادبی، در شأن ادبیات انقلاب نیست. انقلاب اسلامی برای امروز در همه زمینه‌ها حرف دارد و جریان ادبی انقلاب اسلامی نیز در تعامل با زمانه تجربه‌های گرانگیزی کرده است که باید همین تجربه‌ها، نو و تعمیق و تثبیت شوند.







ادامه از صفحه ۶

رئیس فستیوال درباره این انتخاب گفت: ما معتقدیم که یک نفر در این سر دنیا از علم ترجمه حرف زده و اصولی عرضه کرده و آن یک نفر خانم طاهره صفارزاده است.

صفارزاده در سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی به عنوان «استاد نمونه» اعلام شد و در سال ۸۰ پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم» به افتخار عنوان «خادم القرآن» نایل شد.

در زمان همکاری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی طرح تهیه «فرهنگ‌های تخصصی» وی که با ضوابط علمی و پیشنهادهای جدید تدوین شده، به تصویب رسید و مورد بهره‌برداری اهل علم قرار گرفت.

تاکنون علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی و اجتماعی از طاهره صفارزاده بیش از ۱۴ مجموعه شعر و ۱۰ کتاب ترجمه یا درباره نقد ترجمه در زمینه‌های ادبیات، علوم، علوم قرآنی و حدیث منتشر شده و گزیده سُروده‌های او به زبانهای گوناگون جهان ترجمه شده‌اند.

وی در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به کشف یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی - یعنی عدم ایجاد ارتباط نامهای خداوند (اسماء الحسنی) با آیات قرآن - دست یافته است که این تشخیص می‌تواند سرآغاز تحولی در ترجمه کلام الهی به زبان‌های مختلف باشد. ضمن برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی، به پیشنهاد او درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه گنجانده شد و تدریس این واحد درسی موجب توجه این استاد ترجمه به اشکال‌های معادل‌یابی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن مجید شد.

این برخورد علمی او را برانگیخت که به خدمت ترجمه قرآن به دو زبان انگلیسی و فارسی همت گمارد. قرآن حکیم حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به کلام الهی برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه آن به دو زبان پایان گرفت. شرح این توفیق در مقدمه کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» و نیز دو مقدمه فارسی و انگلیسی «قرآن حکیم» آمده است.

طاهره صفارزاده در ماه مارس ۲۰۰۶ همزمان با برپائی جشن روز جهانی زن، از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا (afro - asian writers organization) به عنوان شاعر مبارز و زن نجبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد.

در بخشی از نامه این سازمان آمده است: از آنجا که دکتر طاهره صفارزاده - شاعر و نویسنده

برجسته ایرانی - مبارزی بزرگ و نمونه والای یک زن دانشمند و افتخارآفرین مسلمان است، این سازمان ایشان را به پاس سابقه طولانی مبارزه و کوشش‌های علمی گسترده به عنوان شخصیت برگزیده سال جاری انتخاب کرده است.

#### معرفی آثار

رهگذر مهتاب، از ۱۳۴۱ (چاپ دوم)  
red umbrella the (سرودهایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. = ۱۳۴۷ش.  
طین در دلتا [و دفتر دوم]، از ۱۳۴۹ (چاپ چهارم)

(انگلیسی)، از ۱۳۷۹ (چاپ دوم)  
ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، از ۱۳۸۰ (چاپ هفتم)  
**شاعری جهانی**  
طاهره صفارزاده مدتی پس از درگذشت فرزندش، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به امریکا رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم درجه MFA را دریافت کرد. MFA (مخفف Master of Fine Arts به معنی استاد هنرهای زیبا)



## حیات قرآنی شاعر

سدّ و بازوان، از ۱۳۵۰ (چاپ سوم)  
سفر پنجم، از ۱۳۵۶ (چاپ ششم)  
حرکت و دیروز، از ۱۳۵۷ (چاپ دوم)  
بیعت با بیداری، از ۱۳۵۸ (چاپ سوم)  
مردان منحنی، (چاپ اول)  
دیدار صبح، از ۱۳۶۶ (چاپ دوم)  
selected poems (گزیده اشعار: فارسی و انگلیسی)، ۱۹۸۷م. = ۱۳۷۸ش. (چاپ اول)  
در پیش‌سواز صلح (در دست انتشار)، ۱۳۸۵ (چاپ اول)

گزیده ادبیات معاصر - ۱: طاهره صفارزاده، از ۱۳۷۸ (چاپ دوم)  
هفت سفر، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
روشنگران راه، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه  
اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی  
از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸ (چاپ هشتم)

ترجمه‌های نامفهوم، ۱۳۸۴ (چاپ اول)  
ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و

درجه ای مستقل از PhD است و به نویسندگان و هنرمندانی داده می‌شود که در یک رشته هنری یا ادبی، مدرک لیسانس دارند و داوطلب تدریس در دانشگاه هستند. آنها پیش از ورود به این دوره تحصیلی، باید از عهده امتحانی جامع برآیند که حتی برای دانشجویان امریکایی دشوار است. در این دوره، شاعران و نویسندگان به جای یادگیری محفوظات، به آموختن نظری و عملی نقد ادبی و اجرای پروژه های ادبی و هنری متنوع شامل مطالعات گسترده درباره آثار نویسندگان و شاعران و هنرمندان می پردازند. آنها باید یک رشته دیگر را هم به عنوان هنر دوم برگزینند. این دوره یک سال بیش از فوق لیسانس است و صاحب این مدرک برای تدریس نظری و عملی در دانشگاه های امریکا، با پایه دکتري استخدام می شود. طاهره صفارزاده، ضمن گذراندن واحدهای درسی دیگر، برای درس های اصلی «شعر امروز جهان»، موضوع های «نقد ادبی»، «نقد علمی ترجمه» و «سینمای مستند» را انتخاب کرد. سینما را نیز به عنوان هنر دوم برگزید و دو فیلم کوتاه ساخت.

در این دوران، وی در پی دست یافتن به زبان

خاص شعری و در نتیجه مطالعاتی پیوسته، موفق شد تعریف ها و نظریه های جدیدی در زمینه هنر به ویژه شعر ارائه دهد. نخستین نمونه این نوع شعرهای او را به شهرت، اعتبار و احترامی چشمگیر در میان شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف جهان رساند و ارتباط های ادبی متقابلی میان او و شاعران و هنرمندان دیگر کشورها پدید آورد. کتاب The Red Umbrella (چتر سرخ) نام مجموعه ای کوچک از شعرهای انگلیسی طاهره صفارزاده است که دانشگاه آیووا آن را در سال ۱۹۶۸ میلادی چاپ کرده و بسیاری از شعرهای این کتاب، به زبان های گوناگون شرقی و غربی ترجمه شده است. هم اینک شعرهای انگلیسی وی در برخی کشورها به عنوان واحدهای درسی تدریس می شوند. اصل شعرهای انگلیسی با ترجمه شعرهای فارسی او به زبان های گوناگون، برخی موسیقی دانان را به آفرینش آهنگ هایی براساس آنها برانگیخته است. از جمله یواخیم ف. و. اشنايدر، موسیقی دان آلمانی، بر روی ترجمه آلمانی که خانم آن ماری شیمل، خاورشناس و پژوهشگر معروف فرهنگ اسلامی، از چند شعر طاهره صفارزاده انجام داده، موسیقی نهاده و دیوید فدرولف، موسیقی دان امریکایی، برای چند شعر از کتاب The Red Umbrella موسیقی ساخته است.

#### علمی سازی ترجمه

در بازگشت به کشور، به سبب روشنگری های سیاسی صفارزاده در ایران و خارج، مشکلاتی برای استخدامش وجود داشت، ولی چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی، هشت واحد ترجمه ثبت شده بود و گروه های زبان از کمبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی گله مند بودند، در سال ۱۳۴۹ مقامات آن زمان با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت کردند.

دکتر طاهره صفارزاده، پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین کارگاه «نقد علمی ترجمه» در دانشگاه های ایران است.

اگرچه سابقه برگردان آثار ادبی و مذهبی به دوست سال پیش از میلاد مسیح می رسد، تا اوایل سال های ۱۹۶۰ میلادی، ترجمه، حرفه ای ذوقی و غیر دانشگاهی به شمار می رفت و تدریس آن به برنامه های آموزشی دانشگاه های مغرب زمین راه نیافته بود. دانشگاه آیووا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، اولین مرکزی بود که این درس را در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات گنجانده. صفارزاده حدود سه سال بعد در کنار نویسندگان دانشجوی، از این آموزش جدید، بهره مند شد.

#### خاطره احمد مسجد جامعی از زنده یاد طاهره صفارزاده

### عکس یادگاری



مرحوم صفارزاده شخصیت همه جانبه ای داشت ولی جز در بخشی از فضای ادبیات امروز شناخته نشد چون کسانی که با آن فضای ادبی آشنا بودند با سیر و سلوک صفارزاده آشنایی نداشتند، و آنهایی هم که رفتار و سیر و سلوکش را می پسندیدند چندان با آن ادبیات مأنوس نبودند تنها خودش به این زبان و فهم نزدیک بود و تجربه معنوی و سلوک خاص خود را داشت.

آشنایانش او را در لباس و رفتارهای مختلفی دیدند و او هیچکدام را پوشیده نمی داشت. به یاد دارم اواخر عمر ایشان روزی در بیمارستان بودیم. من کنار تخت ایشان نشسته بودم و می خواستیم عکس یادگاری ببندازیم. یکی از حاضران در اتاق گفت خانم صفارزاده با نامحرم عکس نمی اندازد اما ایشان گفت: «چه کسی چنین حرفی زده؟ ایشان هم مانند برادر من است».



ببینید حد شرعی یک چارچوب و تعریف ویژه دارد و زنده یاد صفارزاده آن چارچوب را محترم می شمرد و رعایت می کرد. ما که از پیامبر متشرع تر نیستیم چرا رفتاری داشته باشیم که خارج از عرف مسلمانی است؟ توجه به این مسئله را هم می توان در زندگی صفارزاده دید.

هیچ وقت ندیدم زنده یاد صفارزاده منکر دوره ای شود که با دنیای مدرن روبرو شده بود. اتفاقاً همان دوره مقدمه ای شد که مقطع بعدی زندگی اش را ساخت. اگر این مسیر در زندگی اش دیده نشود سیر زبانی و ادبی او هم مغفول خواهد ماند. این مسئله نیازمند این است که مراحل مختلف زندگی و سلوک او را بررسی کنیم. منزلی که از زنده یاد صفارزاده به جا مانده ارزش میراثی و تاریخی دارد و خوب است که تبدیل به یک کانون فرهنگی شود چون در تهران کمتر خانه ای داریم که تاریخی و محورش یک زن باشد و حفظ شود. یکی از این خانه ها، خانه مرحوم پروین اعتصامی بود و دیگری خانه طاهره صفارزاده. مجموعه آثار صفارزاده هم بدون هیچ نگاه و رویکردی، همانگونه که بوده و زندگی می کرده، طبق همان نامه هایی که نوشته و طبق واقعیات خودش جمع آوری و منتشر شود چون صفارزاده یک شخصیت علمی و ادبی برای جامعه ما و زنان ما است.



چهل سال پیش...

۳ آبان ماه ۱۳۵۶ برابر با ۱۱ ذیحجه ۱۳۹۷، ۲۵ اکتبر ۱۹۷۷ مصادف با سالروز ولادت امام رضا (ع) تعطیل بود و روزنامه اطلاعات منتشر نشد.

## جاده‌های مرگبار جهان

مناطق مختلفی در جهان هست که دیدن آنها به شدت هیجان‌انگیز و سالانه میزبان خیل عظیمی از توریست‌ها و گردشگران ماجراجو است که با هدف چشیدن طعم سفر و مخاطره، تلاش دارند تا اندکی از زندگی روزمره دور شوند. با اینحال همیشه این مناظر برای همه مردم دیدنی و جذاب نیست و صاحبان برخی از مشاغل مثل رانندگان در تلاش‌اند تا هرچه بیشتر از نزدیک شدن به مناطق خطرناک و پر مخاطره دوری کنند. به گزارش فرادید، یک سایت عرب زبان اخیراً چند نقطه مرگبار در جهان را معرفی کرده که جاده‌های بسیار خطرناکی داشته و بارها محل حوادث دلخراش و اتفاقات مرگبار بوده است.

## جاده مرگ

این مسیر بسیار باریک که در پست‌ترین مناطق، در ارتفاع ۱۲۰۰ متری از سطح زمین قرار دارد، با عرض کلی ۳٫۶ متر، دو شهر مرزی کورسانو و لاپاز در بولیوی را به هم متصل می‌کند.

مسیر این جاده به حدی ترسناک است که در برخی از مناطق به حدود ۴۶۵۰ متر رسیده و سالانه موجب مرگ بیش از ۳۰۰ نفر می‌شود.



خطرناک‌ترین جاده جهان در حالی این عنوان را به دست آورده که دولت بولیوی از توسعه این مسیر عاجز بوده و همین راه بسیار خطرناک باریک را هم به کمک زندانیان این کشور در سال‌ها قبل هنگام جنگ با اوگوئه ساخته است.

## جیمز دالتون

یک جاده بسیار باریک، طولانی و مرگبار به طول ۶۶۶ کیلومتر در قلب ایالت خالی از سکنه آلاسکا که هر لحظه ممکن است از فرط سرمای استخوان‌سوز آن، از پا درآید و حتی اگر خود راننده از سرما جان سالم به در برد یا موتور خودرو یخ نزند، باز هم ممکن است حمله خرس‌های گریزلی بزرگ باعث رقم زدن پایانی غم‌انگیز برای راننده شود.

## جاده کاراکورام

مرتفع‌ترین جاده جهان که در ارتفاع ۴۷۰۰ متری از سطح زمین ساخته شده و به شدت سرد، خشک و خالی از حیات است که با طول حدود ۱۳۰۰ کیلومتر، از پاکستان تا قلمب چین ادامه می‌یابد. این مسیر به حدی مناظر عجیب و بکر دارد که برخی آنرا عجایب هشتم جهان می‌دانند.

جالب است بدانید که در زمان ساخت این جاده که از سال ۱۹۵۹ شروع شد و تا سال ۱۹۷۹ نیز ادامه یافت بیش از ۱۰۰۰ نفر کارگر کشته شدند.

## تروستینگن

این جاده ۵۵ کیلومتری که در شمالی‌ترین نقطه نروژ در میانه رشته‌کوه‌های سرپنتین قرار داشته، به دلیل پیچ‌های بسیار تنگی که تعداد آنها به ۱۱ عدد می‌رسد، به جاده مرگ مشهور شده است. خطر عبور از این جاده در حدی بالا گزارش شده که هر لحظه ممکن است شاهد واژگونی اتومبیل عبوری و مرگ راننده باشیم.



قاب امروز



جشنواره سالانه شخم زنی در انگلیس / مهر

## پند بزرگان

– نباید دانه‌ای برنج یا تکه‌ای کاغذ را به هدر دهید، و قفطان را نیز. وقت ما به خود ما تعلق ندارد. ما امانتدارانی هستیم که باید به بهترین نحو از آن بهره‌گیریم.

ماها تمنا گاندی

– عشق ماندگار هرگز بر جاذبه جسمانی میان شما و معشوق که همواره در حال تغییر است متکی نیست.

باربادی انجلیس

## سرایه

دلی همچون دل نالان مو نه

غمی همچون غم هجران مو نه

اگر دریا اگر ابر بهاران

حریف دیده گریان مو نه

بیا طاهر عریان

## پیمان ایران و اتحادیه یونانیان

۲۵ اکتبر سال ۴۴۹ پیش از میلاد در شهر شوش میان دولت ایران و رئیس هیات اعزامی اتحادیه یونانیان معاهده‌ای امضاء شد که به موجب آن این اتحادیه حاکمیت ایران بر قبرس را به رسمیت شناخت و قول به انحلال اتحادیه «دلسوس» داد و در عوض دولت ایران پذیرفت که به شهرهای یونانی زبان آسیای صغیر (شهرهای ساحلی غربی ترکیه امروز، و در آن زمان معروف به ایونی) استقلال داخلی بدهد به این شرط که مالیات مقرر را بپردازند و در صورت نیاز برای ایران کشتی بسازند و برحسب جمعیت خود نظامی بدهند. مورخان اروپایی این عهدنامه را به نام رئیس هیات نمایندگی یونانیان «عهدنامه کالیاس» نامگذاری کرده‌اند.

## اشک یکم کوشش خود را برای نجات ایران آغاز می‌کند

مورخان که روی تاریخ ایران باستان کار کرده‌اند در این که اشک (اشک یکم) حکمران خراسان کوشش پی گیر خود را از اکتبر سال ۲۵۶ پیش از میلاد برای نجات ایران آغاز کرده بود متفق القول هستند و دو مورخ آمریکایی – ساندرسون و لامبرتون – در سال ۱۹۰۰ میلادی آغاز این تلاش را ۲۵ اکتبر آن سال اعلام داشتند.

اسکندر مقدونی پس از فتح ایران، هر شهر ایرانزمین را به یک حکمران محلی سپرده بود و سیاستی را به اجرا گذارده بود که هیچکدام از این حاکمان نتوانند با هم بر سر تاسیس دولت واحدی در ایران کنار آیند.

## سردار سپه رئیس الوزراء شد

سوم آبان ۱۳۰۲ هجری خورشیدی سلطان احمدشاه قاجار ژنرال رضاخان پهلوی سردار سپه را رئیس الوزراء دولت ایران کرد و هشت روز پس از این انتصاب عازم اروپا شد؛ رفتی که بازگشت نداشت.

در پی این انتصاب، ژنرال رضاخان ضمن اشاره به کارهایی که برای نوسازی ارتش ایران و دادن شکل واقعی به آن و برقراری امنیت در کشور به عمل آورده بود به اعلام برنامه کار خود پرداخت و پاسداری از حقوق کشور و اجرای دقیق قوانین و برقراری حکومت قانون و نظم و نسق را سرلوحه این برنامه خواند.

www.iraniandhistoryonthistoday.com

## سودوکو

۲۰۳۶

۷			۳			۲	۹
			۹				۵
		۲		۵	۱		
		۵		۱	۲		
		۷				۴	
		۶	۳			۷	
		۷				۶	
۳			۹				
۹	۶		۴				۷

۷	۲	۵	۱	۸	۶	۹	۴	۳
۹	۴	۳	۷	۲	۵	۱	۸	۶
۱	۸	۶	۹	۴	۳	۷	۲	۵
۵	۷	۲	۶	۳	۱	۸	۹	۴
۸	۱	۹	۵	۷	۴	۶	۳	۲
۶	۳	۴	۲	۹	۸	۵	۷	۱
۴	۵	۷	۸	۶	۲	۳	۱	۹
۲	۹	۱	۳	۵	۷	۴	۶	۸
۳	۶	۸	۴	۱	۹	۲	۵	۷

حل ۲۰۳۵

## جدول شرح در متن

۴۵۴۹

غلامحسین باغبان

کشور	کتاب ارسکین کالدول	وسيله نوشتن	نوعی برادر و خواهر	حل
۱	۱	۱	۱	۴۵۴۸
۲	۲	۲	۲	
۳	۳	۳	۳	
۴	۴	۴	۴	
۵	۵	۵	۵	
۶	۶	۶	۶	
۷	۷	۷	۷	
۸	۸	۸	۸	
۹	۹	۹	۹	
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴	
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵	
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷	
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰	
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲	
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳	
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷	
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸	
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹	
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	
۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	
۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	
۵۳	۵۳	۵۳	۵۳	
۵۴	۵۴	۵۴	۵۴	
۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	
۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	
۵۷	۵۷	۵۷	۵۷	
۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	
۵۹	۵۹	۵۹	۵۹	
۶۰	۶۰	۶۰	۶۰	
۶۱	۶۱	۶۱	۶۱	
۶۲	۶۲	۶۲	۶۲	
۶۳	۶۳	۶۳	۶۳	
۶۴	۶۴	۶۴	۶۴	
۶۵	۶۵	۶۵	۶۵	
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	
۶۷	۶۷	۶۷	۶۷	
۶۸	۶۸	۶۸	۶۸	
۶۹	۶۹	۶۹	۶۹	
۷۰	۷۰	۷۰	۷۰	
۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	
۷۲	۷۲	۷۲	۷۲	
۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	
۷۴	۷۴	۷۴	۷۴	
۷۵	۷۵	۷۵	۷۵	
۷۶	۷۶	۷۶	۷۶	
۷۷	۷۷	۷۷	۷۷	
۷۸	۷۸	۷۸	۷۸	
۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	
۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	
۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	
۸۲	۸۲	۸۲	۸۲	
۸۳	۸۳	۸۳	۸۳	
۸۴	۸۴	۸۴	۸۴	
۸۵	۸۵	۸۵	۸۵	
۸۶	۸۶	۸۶	۸۶	
۸۷	۸۷	۸۷	۸۷	
۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	
۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	
۹۱	۹۱	۹۱	۹۱	
۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	
۹۳	۹۳	۹۳	۹۳	
۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	
۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	
۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	
۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	
۹۹	۹۹	۹۹	۹۹	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	